

ایراس

کتابنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز

زیر نظر:

دکتر مهدی سنایی

مدیر اجرایی:

رضا جنیدی

هیأت تحریریه:

علی آدمی، رضا جنیدی، پرویز قاسمی

دکتر جهانگیر کرمی، داود کیانی،

محمد مهدی منصف پور

امور رایانه ای:

فرگس بیات

همه حقوق برای ایراس محفوظ است

ایراس تنها دیدگاه نگارندگان خود را

منتشر کرده است و محتوای آن، دیدگاه

این مؤسسه محسوب نمی شود.



مؤسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز

www.iras.ir

تهران، خیابان ولیعصر، پایین تر از میدان ونک، روبروی

دوازدهم گاندی، پلاک ۱۲۶۶، واحد ۱۸، طبقه پنجم

صندوق پستی: ۱۷۴۵-۱۴۶۶۵

تلفن/دورنگار: ۸۸۸۹۱۵۵

پست الکترونیکی:

mail@iras.ir

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
سخن نخست.....	۱
فضای جدید تعاملات روسی - خاورمیانه ای.....	۲
فرصت های تازه در روابط ایران و ارمنستان.....	۶
سایه انرژی بر سر روابط مسکو - بروکسل.....	۸
مذهب در آسیای مرکزی: دیوان حکمت یسوی.....	۱۰
فعالیت های فرهنگی - اقتصادی آمریکا در منطقه.....	۱۲
زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز.....	۱۷
وضعیت مسلمانان در روسیه.....	۲۳
آغاز فعالیت مجلس اجتماعی در روسیه.....	۲۷
تأسیس جامعه انتخاب دموکراتیک: تأیید بوش و سکوت اتحادیه اروپا.....	۳۱
محلی گرایی در صحنه سیاسی جمهوری آذربایجان.....	۳۵
سال روسیه در ارمنستان.....	۳۸
معرفی کتاب.....	۴۰
رویدادها و گزارش های خبری.....	۴۲

سخت‌نسخه

با وجود اینکه پانزده سال از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز می‌گذرد اما هنوز می‌توان از مفهوم «دوران گذار» برای این کشورها استفاده کرد. در واقع، شرایط کنونی این منطقه به گونه‌ای است که پس از الگوی نظام سوسیالیستی، هنوز تا استقرار یک الگوی جدید فاصله زیادی دارد. این موضوع، در لایه‌های ژرف‌تر - همانند فرهنگ - نیز مصداق دارد؛ در این میان از یکسو با فرهنگ بومی این کشورها که در طول تاریخ و در سده‌های متوالی شکل گرفته و سرچشمه‌های قومی، زبانی و مذهبی گسترده‌ای داشته و در حال حاضر نیز برای هویت‌سازی نوین از آن استفاده می‌شود، روبرو هستیم، و از سوی دیگر، فرهنگ روسی دوسده اخیر و نیز فرهنگ سوسیالیستی یک سده اخیر را می‌بینیم که با وجود برخی تلاش‌ها برای حذف آن از صحنه اجتماعی و سیاسی ملت‌ها، اما همچنان کمابیش زنده است.

در کنار اینها، فرهنگ غربی در پانزده سال اخیر روز به روز در جوامع منطقه پررنگ‌تر شده است و فرهنگ دینی و ملی جدیدی نیز از طرف همسایگان جنوبی و خاورمیانه‌ای طی این سالها به شیوه‌های مختلف در منطقه نفوذ پیدا کرده که با فرهنگ سنتی بومی نیز همخوانی‌های اساسی دارد. این فرهنگ به نوعی رنگ و بوی ملی و زبانی خاص خود را دارد و صبغه مذهبی آن نیز بسته به کشورهای صادرکننده از شدت و ضعف برخوردار است که خود را به شکل فرهنگ عربی - اسلامی، ایرانی - اسلامی و ترکی - اسلامی نمودار کرده است. در واقع، نوعی تقابل، رویارویی و درعین حال تعامل میان فرهنگ‌های مذکور وجود دارد که آینده آنها و موفقیت هر یک به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی مرتبط است. درعین حال، نظام سیاسی، مردم و گروه‌های سیاسی و اجتماعی نیز هر یک حامل و حامی یکی یا ترکیبی از این فرهنگ‌ها هستند. بسیاری از نظام‌های سیاسی هنوز از آبخور فرهنگ روسی - شوروی تغذیه می‌شوند، اما ضرورت دولت‌سازی و تقویت هویت ملی، آنها را در تأکید بر فرهنگ بومی بی‌نیاز نمی‌سازد. در سطح اجتماعی نیز، حمایت‌هایی از این وجوه فرهنگی متفاوت مشاهده می‌شود. اما آنچه که در دعوای انقلاب‌های رنگی مشاهده شده، نشان می‌دهد که هرچه وضع موجود اقتصادی و اجتماعی کمتر قابل تحمل می‌شود، تمایل به الگوهای سیاسی جایگزین و در نتیجه، فرهنگ حامل آن گسترده‌تر می‌شود. از این رو، به نظر می‌آید آینده فرهنگی منطقه، سنتزی از فرهنگ‌های چهارگانه مذکور است؛ اما امکان موفقیت بیشتر با آن وجهی است که یک الگوی نظام سیاسی - اقتصادی کارآمد را شکل دهد و جالب اینجاست که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ج.ا.ایران با ظرافت خاصی بر این نکته، تأکید شده است که محوریت یافتن سیاسی بدون پشتوانه علمی و فرهنگی کارآمد، امکان‌پذیر نیست.

مهدی سنایی

& فضای جدید تعاملات روسی - خاورمیانه ای

نگارنده: دکتر جهانگیر کرمی

تا ۱۹۹۰ انجام می داد. این موضوع، در مورد خاورمیانه، به ویژه از سالهای ۱۹۴۵ شدت گرفت و اوج آن حمایت از ناصر در مصر، رژیم کودتای عراق از ۱۹۵۸، یمن جنوبی، الجزایر، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین بود که صدور تسهیلات به منطقه، سفرهای دریایی ناوگان نظامی روسیه به مدیترانه و خلیج فارس، و التیماتوم به آمریکا و غرب در جنگ های اعراب و اسرائیل، انجام شد. اما از روزی که برنامه های توسعه روسیه بتدریج با مشکل روبرو شد و آمارسازی جای واقعیت ها را گرفت، برای نخستین بار در سازمان های اطلاعاتی شوروی این هشدار داده شد که کشور در سراشیب سقوط است و اگرچه، مدتها این هشدار نادیده گرفته شد، اما سرانجام با تغییر نسل رهبران، مسکو درصدد برآمد تا به بازنگری در ایدئولوژی خود روی آورد. محصول این بازنگری چیزی نبود جز رها کردن متحدان پیشین و روی آوردن به رقیب دیرین برای کمک مالی و فنی و سرانجام نیز که تب تحول خواهی بالا گرفت، موج فزاینده انتظارات، ناتوانی نظام سیاسی و از دست رفتن مبانی مشروعیتی به فروپاشی دستاوردهای سرزمینی امپراتوری تزار و نظام شوراهای که در طی ۶-۵ سده ذره ذره جمع آوری شده بود منجر شد.

بوریس یلتسین برای پیوستن به تمدن غرب، تمام متحدان پیشین خود را رها کرد. از صدام در ماجرای کویت و سپس تحریم های سازمان ملل متحد گرفته، تا صربها در بوسنی، و سپس در کوزوو، و لیبی در حادثه لاکربی، به تدریج طی ۱۵ سال گذشته متحدان مسکو یکی پس از دیگری قربانی شدند. جالب اینکه، از ۸ کشور و

با وجود اینکه در پانزده سال اخیر، روسیه درگیر در اولویت هایی نظیر مسائل داخلی، تحولات حوزه پیرامونی (سی.آی.اس) و روابط با اروپا، آمریکا و نیز بالکان بوده و کمتر فرصت ابراز وجود در عرصه خاورمیانه را یافته، اما گهگاه کوشیده است تا از نفوذ سنتی خود در این منطقه دفاع کند. در این رابطه می توان به برخی تلاش ها برای پایان دادن به تحریم عراق در اواخر دهه ۱۹۹۰، گسترش روابط با ایران، ترکیه و اسرائیل و سرانجام اقدام برای جلوگیری از حمله آمریکا به عراق در زمستان ۱۳۸۱ اشاره کرد. همچنین باید به عضویت روسیه در کمیسیون چهارجانبه حل مسأله فلسطین، سفر پوتین به فلسطین و مصر، و عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی اشاره کرد. این موضوع با پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی اخیر و موضع متفاوت کرملین در استقبال از آن و دعوت مسئولان این سازمان به مسکو صورت جدی تری به خود گرفته است. در این نوشته نگارنده می کوشد تا با مروری بر سیاست خاورمیانه ای روسیه، مواضع اخیر آن را درقبال مسئله فلسطین تحلیل نماید.

در دوره شوروی، مسکو یک ابرقدرت جهانی بود و در تمام مناطق جهان برای خود منافع گسترده در نظر می گرفت و برای حضور و نفوذ خود هزینه های بسیار می پرداخت. حمایت از گروه های انقلابی و نظام های سیاسی ضد غربی، با آموزش های سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی، ارسال سلاح و تجهیزات نظامی، حمایت اقتصادی، و جلوگیری از تهدیدات جدی برای آنها از جمله کارهایی بود. که مسکو طی سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۸۵ و حتی

سازمان به اصطلاح «سرکش» که طی این سالها در لیست برخوردهای آمریکا و غرب قرار داشته اند، به جز طالبان، مابقی همه از متحدان پیشین و بعدی روسیه بوده و عملیات های نظامی آمریکا طی این دوره، عمدتاً در سرزمین متحدان مسکو بوده است. اگرچه، روس ها گاه سکوت کرده و گاه میانجیگری کرده اند، گاه فریاد برآورده و گاهی نیز تهدید نموده اند، اما گویا آمریکا گوشش نسبت به پیام های مسکو ناشنوا بوده و کار خود را کرده است.

مسکو در سالهای ۹۵ - ۱۹۹۰ خاورمیانه را کما بیش رها کرد. سپس به فکر قراردادهای نظامی و صدور سلاح افتاد و به ویژه در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» پریماکف نیم نگاهی هم در کنار چین و هند به این منطقه افکند. در سند «تدبیر سیاست خارجی روسیه» در سال ۲۰۰۰ که در اوج مبارزه طلبی های پوتین پس از تحقیر مسکو در کوزوو تصویب شد، منطقه خاورمیانه به عنوان اولویت پنجم، پس از کشورهای مستقل مشترک المنافع، اروپا، آمریکا و آسیا قرار گرفت. اما از ابتدای هزاره نو و با لغو توافق گور - چرنومردین تلاش ها برای از سرگیری روابط با منطقه جدی تر شد؛ به طوری که سخن از «اتحاد استراتژیک» در برخی محافل روسی و خاورمیانه ای به میان آمد و مسافرت هایی نیز صورت گرفت. اما حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در راه بود تا سیاست روسیه را بار دیگر دگرگون سازد. حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا را به طور کامل در مقابل اسلام گرایی قرار داد.

اساساً اسلام گرایی پدیده ای یکپارچه نیست و انواع متفاوتی دارد. از انقلابیون حزب الله در لبنان و ایران تا مبارزان افغان و چین، و تا وهابیون در عربستان و پاکستان و سایر نقاط و سرانجام گروه های محافظ کار اخوان المسلمین، همه و همه در یک مسأله اشتراک نظر دارند: «اسلام هویت ماست و می تواند ما را و بشریت را سعادت مند نماید». اما آن نوع اسلام گرایی که در افغانستان به منصف ظهور رسید و توانست شوروی را اخراج نماید، اگر نه همه آن، حداقل بخش مهمی از آن متحد آمریکا، غرب و دوستان آمریکا بوده و از حمایت های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا بهره ور بود. اگر تفسیر محمد حسنین هیکل را نپذیریم که آمریکایی ها از سر فراست، شوروی را وادار به حمله به افغانستان نمودند تا امواج

در حال ظهور اسلام گرایی خاورمیانه ای را که متوجه خودشان بود از سر بگذرانند، اما واقعیت ها حکایت از آن دارد که اتحادی استراتژیک میان اسلام گرایان و غرب در مقابل خطر کمونیسم شکل گرفت و با وجود فروپاشی شوروی، با صبغه ضد روسی و ضد ارتدوکسی از بوسنی و کوزوو تا چین و داغستان و تاجیکستان، مسکو را آزد.

اما از زمان حضور ارتش آمریکا در عربستان کم کم برخی از سران جریان اسلام گرا، صدای اعتراضشان بلند شد و در خبر، طهران، کنیا، تانزانیا و یمن به فریاد انجامید و انفجار آن به نیویورک و واشنگتن رسید، و این درست آن فرصتی بود که روسها دنبال آن بودند. آنها در تمام سالهای دهه ۱۹۹۰ فریاد زده بودند که «اسلام گرایی یک خطر است»، اما در غرب گوش شنوایی نیافته بود. شاید آمریکایی ها همچنان منتظر بودند که با سوق دادن این جریان به سمت روسیه، بر امواج آن سوار شوند. اما مگر مسأله فلسطین موضوعی بود که بتوان آن را برای مدت زیادی به فراموشی سپرد. در واقع، باردیگر آن بخش از جریان اسلام گرایی که متوجه نقطه دیگری شده بود، راه خود را یافت و حامی دشمن اصلی صهیونیستی (آمریکا) را نشانه گرفت و روسیه نخستین کشوری بود که دست اتحاد به سوی آمریکا دراز کرد و از هر حمایتی سخن گفت و پایگاههای منطقه و فضای روسیه و منطقه را در اختیار آن قرار داد و آمریکا نیز در مدت کوتاهی کابل را از دست طالبان درآورد. روسها خیلی خوشحال بودند که حامی دیروزی دشمنشان، به جنگ با آن آمده است و چه بهتر از این می توانست اتفاق بیفتد. اما این آغاز ماجرا بود.

ارتش آمریکا در منطقه جا خوش کرد و برای اوراسیا و خاورمیانه برنامه ریزی کرد و نوبت به بغداد رسید. موج نگرانی ها از ارتش روسیه، سازمان اطلاعاتی آن کشور و دوما برخاست و پوتین اظهار داشت که آمریکا «نباید به بهانه مبارزه با تروریسم، به گسترش قلمرو استراتژیک خود بپردازد.» باوجود مخالفت های روسیه و اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد، تمام طلب های مسکو (حدود ۸ میلیارد دلار) و قراردادهای جدید (بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار) با سقوط بغداد از میان رفتند و پس از آن نیز روس ها چه در اوپان فرانسه (نشست ۸ کشور صنعتی جهان)، چه در صحن

شورای امنیت (قطعنامه به رسمیت شناختن اشغال) و چه در شرم الشیخ (تائید دولت موقت عراق)، همراهی خود را غرولند کنان ابراز داشتند. اما آیا روسیه قرار است فقط همراهی کند؟ در فردای سقوط بغداد، داستان سوریه شروع شد و تاکنون به خروج ارتش آن کشور از لبنان و برگزاری یک انتخابات بدون حضور و نفوذ سوریه انجامیده است.

پوتین که در ۴۰ سال اخیر اولین رئیس جمهور روسیه است که به منطقه خاورمیانه سفر کرده است، پیرامون مسائل حمایت از طرح «نقشه راه»، فروش سلاح های سنگین به دولت خودگردان فلسطین، فروش موشک به سوریه، و توقف فعالیت های ایران برای تکمیل چرخه سوخت هسته ای سخن گفت. برخی این سفر را در حمایت از اسرائیل پنداشتند، برخی آن را یک سفر تشریفاتی و برای راضی کردن افکار عمومی داخلی و عده ای آن را ناشی از عملگرایی دولت روسیه و سرانجام، عده ای نیز آن را یک تحول اساسی قلمداد نمودند. در ایران نیز تحلیل های متفاوتی ارائه شده: «ژست دنکیشوت وار»، «تماشاگر فرصت طلب»، «بازیگر محدودی که در سقف تعیین شده حرکت می کند»، «دولتی که می خواهد به یک نیروی قدرتمند جهانی تبدیل شود»، «بازیگر سردرگمی که اطلاعات درستی از منطقه ندارد»، و «دولتی که می خواهد یک میانجی در مسائل منطقه باشد». تقریباً تحلیل های ارائه شده در ایران، بیشتر، موضوع را منفی جلوه داده و البته برخی برای آن شرایطی تعیین کرده اند، از جمله اینکه، «اگر به ایران و سوریه نیز سفر کند، آنگاه می توان گفت که تحولی رخ داده است».

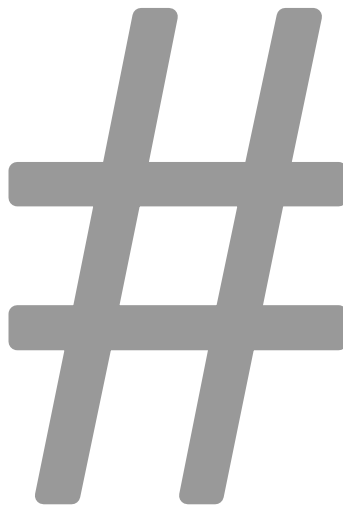
اما شاید واکنش مثبت روسیه نسبت به حماس برخلاف واکنش های آمریکا و حتی اتحادیه اروپا جالب باشد. پوتین با بیان اینکه حماس برآمده از یک انتخابات قانونی و مردم سالار است از سران حماس دعوت کرد به مسکو سفر کنند و این موضوع با مخالفت شدید اسرائیلی ها مواجه شد و آمریکا از روسیه خواست تا از حماس بخواهد که موجودیت اسرائیل را بپذیرد، عملیات مسلحانه و سلاح خود را کنار بگذارد. کمیسیون چهارجانبه نیز چهار شرط را برای مذاکره با حماس تعیین کرده و اسرائیلی ها این اقدام روسیه را خنجری از پشت به تل آویو و امتیازی به ایران برای پذیرفتن طرح روسیه مبنی بر غنی سازی مشترک اورانیوم تلقی کرده اند. اما واقعیت چیز دیگری است. به طور کلی در

دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، روسیه حامی جریان های فعال خاورمیانه ای در مقابل غرب بود، اما در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در معرض حمله گروه های فعال خاورمیانه ای و افکار عمومی مسلمانان قرار گرفت و در این دوره، غرب از گروه های مسلمان در مقابل هجوم شوروی و سپس در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی حمایت می کرد. از سال ۲۰۰۰ مسکو کوشیده است تا روابط خود را با مسلمانان بهبود بخشد. درخواست عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی و پذیرش این موضوع از سوی کشورهای مسلمان و سرانجام موضع اخیر آن در مورد حماس از فعال شدن سیاست خاورمیانه ای مسکو حکایت دارد.

به طور کلی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، روسیه حامی جریان های فعال خاورمیانه ای در مقابل غرب بود، اما در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در معرض حمله گروه های فعال خاورمیانه ای و افکار عمومی مسلمانان قرار گرفت و در این دوره، غرب از گروه های مسلمان در مقابل هجوم شوروی و سپس در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی حمایت می کرد. از سال ۲۰۰۰ مسکو کوشیده است تا روابط خود را با مسلمانان بهبود بخشد. درخواست عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی و پذیرش این موضوع از سوی کشورهای مسلمان و سرانجام موضع اخیر آن در مورد حماس از فعال شدن سیاست خاورمیانه ای مسکو حکایت دارد.

اخیراً بنیامین پایوف مسئول روابط روسیه با سازمان کنفرانس اسلامی گفته است «روسیه برنامه هایی برای تحکیم روابط با جهان اسلام در دست دارد». او افزود که «تمدن روسی موارد بسیاری از سایر تمدن ها را جذب نموده و می تواند نقش آشتی دهنده و میانجی میان آنها را بازی کند». این اظهارات نشان دهنده آن است که روس ها تلاش می کنند تا خود را از فضای دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ خارج کنند. در واقع، روس ها می خواهند سیاست خاورمیانه ای خود را متحول ساخته و نقش بیشتری در معادلات منطقه داشته باشد و نگرانی های موجود در کشورهای مسلمان نسبت به آمریکا و اسرائیل، آنها را در این رابطه حمایت می کند. روس ها مدت ها بود طرفدار حکومت های غیرمردمی نظیر صدام بودند و روی اسب های بازنده شرط بندی کرده بودند، اما اینک از سازمانی و در واقع از دولتی حمایت می کنند که برآمده از یک انتخابات واقعی

است و این مسأله منافع روس ها را با منافع ملت های منطقه پیوند می زند. اما روسیه امروز دیگر آن ابرقدرت پیشین نیست و به قولی، اقتصادش کوچکتر از دانمارک و نیز شرکت کوکاکولای آمریکاست. اما باید به این واقعیت ها توجه کرد که، روسیه عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد و دومین فروشنده جنگ افزار دنیاست. روس ها هم می خواهند بازارهای نظامی خود را حفظ کنند و هم اینکه ضمن مخالفت با طرح های آمریکا اعتبار کسب کنند و حماس برگ برنده ای است که می تواند اعتبار روسیه را در منطقه بازسازی کند.



& فرصت های تازه در روابط ایران و ارمنستان

ویکتوریا پانفیلوا*

روسیه نسبت به ارمنستان بیشتر بی اعتنایی می کند تا نسبت به گرجستان و یا آذربایجان. و این عقیده اکثریت مردم ارمنستان است. یک کارشناس ارمنی می گوید: «تجدید نظر در روابط ارمنستان با روسیه ضرورت مبرمی است. سیاست روسیه نه فقط ارمنستان بلکه گرجستان و آذربایجان را هم دچار مشکل کرده است. آنها ما را به این متهم می کنند که اگر ارمنستان نبود مدتها پیش روسیه را از قفقاز بیرون می کردند و حالا روسیه فقط بخاطر ارمنستان در قفقاز حضور دارد.»

با وجود این، موضع «گازپروم» هنوز عوض نمی شود و رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین نشان داد که به روابط مهره های حاکم اعتنایی ندارد. با این همه، رئیس جمهور روسیه اضافه کرد که می توانست از دولت درخواست کند که اعتبار با امتیازی را برای پرداخت گاز روسیه به ارمنستان بدهد. اما ایروان مانند کیف از گرفتن اعتبار خودداری نموده است. به گفته نخست وزیر ارمنستان مکراریان، ایروان می تواند چنین اعتباری را از کشورهای دیگر و با شرایط مناسبتری هم بگیرد.

در این میان، با بالا بردن قیمت های گاز برای ارمنستان، مسکو فقط منافع ارزی را دنبال نمی کند: ۸۸ میلیون دلار در سال برای «گازپروم» سود بزرگی نیست. ایروان مطمئن است که این موضوع کاملاً سیاسی می باشد. نیکولای اوگانسیان رئیس انستیتوی شرق شناسی ضمن مصاحبه با «روزنامه بی طرف» اظهار داشت: مسکو

ایروان موفق شد در باره تعویق افزایش قیمت گاز با مسکو به توافق برسد. تا اول آوریل سال جاری قیمت های گاز صادراتی روسیه به ارمنستان در سطح سابق یعنی ۵۴ دلار برای ۱۰۰۰ متر مکعب باقی خواهد ماند. و از اول آوریل سال ۲۰۰۶ ارمنستان گاز را به قیمت ۱۱۰ دلار برای ۱۰۰۰ متر مکعب خواهد خرید. نخست وزیر ارمنستان آندرانیک مکراریان خاطر نشان ساخت: «با در نظر گرفتن ماه های زمستان توافق حاصل شده برای ما مهم است.» به گفته وی قرار است ثبت قاطع توافق ۲۲ ژانویه ضمن سفر روبرت کوچاریان رئیس جمهور ارمنستان به مسکو انجام شود.

لازم به یادآوری است که اعلامیه «گازپروم» مبنی بر افزایش دو برابر قیمت گاز با نارضایتی بسیار شدید ارمنستان روبرو شده بود. ایروان در حیرت است که چرا روسیه حاضر نیست به تنها کشور وفادار ماورای قفقاز امتیاز بدهد. نخست وزیر ارمنستان مکراریان ضمن مصاحبه با «کترون» - یکی از کانال های تلویزیون ارمنستان اظهار داشت: اگر روسیه قیمت های گاز را افزایش دهد ضرورت توجه مجدد به «شریک استراتژیک» و تجدید نظر کیفی در روابط به وجود خواهد آمد. سخنگوی مجلس آرتور باگداساریان به این موضوع اشاره کرد که ایروان می تواند در شرایط وجود پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان که مسکو بطور مجانی از آن استفاده می کند، تجدید نظر نماید. رئیس انستیتوی شرق شناسی نیکولای اوگانسیان ضمن مصاحبه با «روزنامه بی طرف» اظهار داشت که

می خواهد با استفاده از فشار گازی یک سری مواضع استراتژیک را در اقتصاد ارمنستان بگیرد. مثلاً روسیه به ارمنستان پیشنهاد داد که پنجمین بلوک نیروی برق نیمه ساز نیروگاه حرارتی رازدان را در اختیار آن بگذارد (شرکت «سیستم واحد انرژی روسیه» در حال حاضر صاحب چهار بلوک این نیروگاه می باشد). بعد از اتمام ساختمان، این بلوک به حجمی نیروی برق تولید خواهد کرد که در حال حاضر در کل جمهوری تولید می شود. همچنین سیستم هماهنگ شده نیروگاه برق آبی و روتان و ۴۵ درصد سهام «ارم.روس.گازپروم» که به دولت ارمنستان تعلق دارد و حتی قسمتی از سهام نیروگاه اتمی ارمنستان جزو اهداف روسیه است.

در ارمنستان و از همه مهمتر در ایران درک می کنند که طرح به اتمام رساندن ساختمان پنجمین بلوک نیروگاه حرارتی رازدان و همچنین افزایش قابلیت عبور دادن شبکه های گاز در ارمنستان به ساختمان لوله گاز ایران - ارمنستان بستگی دارد.

ارمنستان نمی خواهد روسیه را به این پروژه راه دهد. در ماه دسامبر سال گذشته «گازپروم» و شرکت «سیستم واحد انرژی روسیه» تصمیم گرفتند، کنسرسیومی را بمنظور شرکت کردن در مناقصه برای به اتمام رساندن ساختمان پنجمین بلوک نیروگاه حرارتی رازدان و همچنین در کشیدن لوله گاز در قسمت ارمنستان (در واقع در توسعه دادن شبکه حمل و نقل گاز ارمنستان) تشکیل دهند. در سپتامبر سال ۲۰۰۵ حقوق مربوطه به شرکت های ایرانی («سن ایر» و «مار» که ۱۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده بودند تحویل داده شد. لوله گاز ایران - ارمنستان تهدید بالقوه و جدی برای «گازپروم» می باشد چون کاملاً واضح است که لوله گاز ۷۰۰ کیلومتری که در حال ساختمان می باشد دیر یا زود می تواند به یک شاه لوله انتقال گاز تبدیل شود. عبور شاه لوله گاز از ایران به ارمنستان و در آینده به گرجستان و اوکراین بر خورد مستقیم منافع روسیه و ایران به دنبال خواهد داشت.

در ایروان می گویند که بعد از اتمام ساختمان لوله گاز از ایران، ارمنستان دو شاه لوله گاز خواهد داشت: یکی در شمال از روسیه از طریق گرجستان به خاک ارمنستان و دومی از جنوب از ایران. اما در ایروان یک امکان دیگری نیز در حال حاضر تحت بررسی می باشد. اگر گاز روسیه برای ارمنستان خیلی گران شود و یا به دلایلی دیگر تحویل آن قطع گردد ارمنستان خواهد توانست بطور

کامل سوخت را برای خود از ایران تأمین کند. به گفته ارمن موسیان وزیر نیرو ارمنستان از طریق لوله گاز ایران - ارمنستان در آینده بقدری می توان گاز وارد کرد که در حال حاضر از طریق تنها لوله گاز ارمنستان از روسیه از طریق گرجستان وارد می شود. رئیس دفتر رئیس جمهور ارمنستان ارتاشس تومانیان اشاره کرد که طبق قرارداد ایران - ارمنستان، ایروان متعهد است تحویل گاز را با صادرات نیروی برق به همان اندازه جبران کند.

شاید بهمین خاطر ارمنستان حق ساختمان لوله گاز از ایران و بازسازی پنجمین بلوک نیروگاه حرارتی رازدان را تحویل شرکتهای ایرانی داده است و این حاکی از آن است که ایروان سعی می کند بیمه ای را از جنگ گازی احتمالی با متروپل سابق در ایران پیدا کند. این کاملاً طبیعی است چون ایرانیان بر خلاف مسکو شرایط شفافتر و مناسبتری را پیشنهاد می کنند گرچه که در این موضوع نیز سؤال زیاد است از جمله سؤالاتی که مربوط به قیمت می شود (قیمت اعلام شده ۸۵ دلار برای ۱۰۰۰ متر مکعب بود).

در این میان، در اروپا منابع دیگری برای تأمین گاز را بررسی می کنند که بین همه آنها بیشتر به ایران اشاره می کنند. با وجود این واردان اوسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان مطمئن است که افزایش احتمالی قیمت های گاز روسیه که به ارمنستان وارد می شود اثر منفی به روابط روسیه و ارمنستان نخواهد گذاشت. وی توضیح داد: «ما باید شراکت استراتژیک را درست درک کنیم. پایه و اساس شراکت ما با روسیه امنیت موجودیت ارمنستان است».

* روزنامه نگار و نویسنده روزنامه نزاویسما گازتا چاپ مسکو، وی این مقاله را ویژه ایراس نگاشته است.

& سایه انرژی بر سر روابط مسکو - بروکسل

نگارنده: داود کیانی

نفت اوپک و روسیه به عنوان بزرگترین تولیدکننده جهانی گاز به شمار می آیند. تحولات جدید در قلمرو عرصه جهانی انرژی سبب

شده است تا دول صنعتی و ازهمه مهمتر و آسیب پذیرتر اتحادیه اروپا از اجلاس گروه ۸ در سن پترزبورگ جهت رفع این نگرانی حداکثر بهره را جویند. به نظر می رسد بروکسل در پاسخ به دو چالش بزرگ افزایش قیمت نفت و آسیب پذیری عرصه جهانی انرژی رویه جدیدی را با تکیه بر دو پایه زیرآغاز نموده است:

۱- کمینه کردن تدریجی وابستگی خود به نفت خاورمیانه؛
۲- در خواست از روسیه مبنی بر تسهیل در روند سرمایه گذاری خارجی در صنعت انرژی و حذف انحصار دولتی بر این صنعت. با توجه به اینکه ۵۱ درصد سهام گاز پروم به عنوان بزرگترین شرکت تولید کننده گاز جهان در اختیار دولت روسیه می باشد، اتحادیه اروپا در این زمینه اصرار ویژه ای دارد.

به نظر می رسد کرملین بعد از بحران در روابط خود با کی یف، روند جدیدی را در اعتماد سازی با شرکای اروپایی خود در این حوزه پیش گرفته است. آلکسی کودرین، وزیر مالیه روسیه طی نشست سن پترزبورگ از آمادگی دولتش جهت تصویب منشور انرژی با هدف تسهیل در روند صدور گاز به اروپا بدون تعیین تاریخ در این زمینه خبر داده است. این منشور که پیش نویس آن

نشست نمایندگان ۸ کشور صنعتی در سن پترزبورگ با میزبانی مسکو در روزهای ۱۰ و ۱۱ فوریه ۲۰۰۶ از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نخست، اگرچه روسیه توانست عاقبت با حمایت ایالات متحده آمریکا از عضویت ناظر به عضویت کامل تغییر وضعیت دهد، اما همچنان نگاه اعضا به این کشور، نگاهی ویژه می باشد. به این معنا که هنوز این کشورها، وزن برابری برای روسیه به دلیل تنگناهای اقتصادی قائل نیستند.

دوم، به رغم آنکه روسیه میزبانی نشست سالانه ۸ کشور صنعتی در سال ۲۰۰۶ را بر عهده دارد، به نظر می رسد به دلیل موضعگیری ها و رفتارهای اخیرش در حوزه انرژی، اسباب ناخرسندی و نگرانی ۷ کشور عضو دیگر را فراهم نموده است. از همین روی به رغم آنکه مسکو می کوشد تا از اهمیت مقوله امنیت انرژی در چارچوب دستور کامل این دوره از مذاکرات بکاهد، اما با مخالفت دیگر کشورها، این موضوع همچنان در صدر دستور کار ۸ کشور صنعتی تحت عنوان امنیت جهانی انرژی قرار گرفت.

تحولات اخیر خاورمیانه به ویژه بحران هسته ای ایران و نیز اختلاف نظر چندی پیش مسکو و کی یف در خصوص قیمت گاز صادراتی به اوکراین که می رفت به قطع صادرات گاز روسیه به جنوب اروپا منتهی گردد، کشورهای صنعتی به ویژه دول اروپایی را با یک نگرانی جدی وعمیق روبرو ساخته است. ایران با صادرات ۲/۶ میلیون بشکه نفت در روز به عنوان دومین تولید کننده بزرگ

الزاماتی در خصوص آزاد سازی صنعت انرژی و حذف انحصارات دولتی در این زمینه می باشد.

در سال ۱۹۹۱ توسط کمیسیون اجرایی اتحادیه اروپا آماده گردید، با هدف تقویت مناسبات انرژی میان اتحادیه اروپا، جمهوریهای شرقی و روسیه تنظیم یافته است.

به رغم نرمش مسکو در این زمینه، به عقیده بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران عرصه انرژی، بعید است روسیه در آینده ای نزدیک نسبت به تصویب این منشور تن در دهد. زیرا بحران انرژی در

روابط مسکو - کی یف، اگر برای بروکسل تولید نگرانی و نا امنی نمود، در روسیه منجر به تقویت روند دولتی شدن هر چه بیشتر صنعت انرژی گردید. علاوه بر این، منشور موصوف همراه با



& مذهب در آسیای مرکزی: دیوان حکمت یسوی

نگارنده: دکتر مهدی سنایی

مهمترین نکته در اندیشه و طریقت یسوی امتزاجی است که میان یک نوع فرهنگ برگرفته از تصوف ایرانی و زبان و شیوه ای که در

میان اقوام ترک کاربرد داشت صورت گرفته است. یسوی به رغم آشنایی فراوان با علوم اسلامی و ادبیات عامیانه ایرانی برای

تبلیغ افکار خویش در میان اقوام ترک از ادبیات ترکها بهره جست. یسوی برای تبلیغ احکام تصوف به مریدانش با زبانی ساده و قابل فهم با شیوه و نظم مطابق با ادبیات عامیانه ترک، اشعاری سرود. این اشعار که در بزرگترین اثر خواجه احمد یسوی گرد هم آمده اند «حکمت» نامیده شده است. یسوی در چنین محیطی، ناگزیر از تطبیق خود با آداب و سنن اقوام منطقه بود. حتی در آثار پیروان نقشبندیه مطالبی وجود دارند که نشان می دهند در مجالس ذکر خواجه احمد یسوی که در اویش گرد هم می آمدند، زنان و مردان با هم شرکت داشته اند. بسیاری از شعرا بعدها از نوع شعر ساده و عامیانه احمد یسوی تقلید نمودند. تأثیر شعر احمد یسوی در اشعار «حکیم آتا»، «آبای»، «مختوم قلی فراغی» و «یونس امره» مشاهده می شود. هریک از این افراد، مشاهیر جمهوریهای ترک زبان آسیای مرکزی هستند و صاحب اشعار و آثاری به حساب می آیند که ورد زبان عامه مردم هستند.

در شماره پیشین گاهنامه به طریقت یسویه پرداخته شد. در اینجا کوشش می شود تا دیوان حکمت خواجه احمد یسوی را مورد بحث قرار دهیم.

کتاب «دیوان حکمت» قطعاتی مانند پند و اندرزهای اخلاقی، توصیه به اجرای دقیق احکام دین، شکایت از وضع دنیا، مدح پیامبر اسلام (ص) و حکایتهایی از احوال بهشت و دوزخ را در بر می گیرد.^۱ حکمتهای خواجه احمد در میان مردم قزاقستان و برخی نقاط دیگر آسیای مرکزی جایگاه خاصی دارند. سالمندان بسیاری این حکمتها را حفظ هستند و برای جوانان به عنوان توصیه های اخلاقی ذکر می کنند. این حکمتها نوعی مکالمات شفاهی برای انتقال مفاهیم اسلامی و اخلاقی تلقی می شود. مجموع حکمتهای موجود در کتاب «دیوان حکمت»، هفتاد قطعه هستند. در اینجا دو حکمت از کتاب خواجه احمد یسوی را نقل می کنیم:

حکمت ۵۳

ای فرزند مسلمان؛ این سخن من پر اهمیت است.
وقت سحرگاه که گل می شکفتد و بلبل نغمه سر می دهد
از بستر خواب برخیز که تو نیز روزیت را در این لحظه می گیری
لذت سحرگاهان را عاشقان می دانند. در این هنگام صفات خداوند
متجلی می شوند.

هنگام سحر جهان به بهشت می ماند. در این هنگام به درگاه خداوند سپاس بگزار.

حکمت ۳۷

محمد سرور هجده هزار دانشمند بود

محمد سردار سی و سه تن صحابه بود

محمد مستمند و گرسنه را استعانت کرد

به امت خویش رحم کرد و شفاعت کرد

محمد شب تا سحر بیدار می ماند

بسیاری به نور محمد هدایت یافتند

حتی خطاکاران نیز از فیض محمد بهره جستند.^۲

برخی از محققان در اینکه در زمان حیات یسوی کتابی تحت عنوان «دیوان حکمت» از اشعار وی تدوین شده باشد، تردید کرده اند و معتقدند آنچه هم اکنون تحت عنوان «دیوان حکمت» به دست ما رسیده است، مجموعه ای از اشعار پیروان و مریدان احمد یسوی که به همان سبک و سیاق سروده شده اند به حساب می آید. این ادعا از سویی با این نکته مورد تأیید قرار می گیرد که هیچ نسخه ای از «دیوان حکمت» که مربوط به پیش از قرن دهم هجری (هفدهم میلادی) باشد، به دست نیامده است.

گوردلوسکی که در سال ۱۹۲۹م. به ترکستان مسافرتی داشته نقل می کند که در آنجا شنیده است نسخه ای قدیمی از «دیوان حکمت» که بر روی پوست نوشته شده بود در آرامگاه احمد یسوی وجود داشته اما بعدها مفقود شده است.^۳ هرچند با اطمینان می توان گفت نسخه ای از «دیوان حکمت» متعلق به قبل از قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) یافت نشده است، اما قرائنی نیز بر وجود این کتاب در زمان احمد یسوی وجود دارد. از جمله اینکه فضل الله ابن روزبهان خنجی در کتاب «مهمان نامه بخارا» اشاره می کند که کتاب یسوی را در آرامگاهش دیده و مطالعه کرده است. وی اظهار می کند که این کتاب اثری است به زبان ترکی و به گونه ای صوفیانه. البته «مهمان نامه بخارا» اشاره ای به منظوم بودن آن نکرده و نامی از «دیوان حکمت» نبرده است.

نویسنده مهمان نامه بخارا می گوید: «از جمله فواید که فیض الهی به فقیر عطا فرمود، یکی آن بود که کتابی از مصنفات حضرت خواجه یسوی قدس الله روحه العزیز مطالعه کردم و آن به زبان

ترکی بود. چندان دقایق علوم و حقایق تصوف درو یافتم که گمان ندارم در مقاصد سلوک و بیان مراتب وصول حقایق، مواجید و ذکر، ترتیب منازل سالکان و مقامات و اصلا، مثل آن کتابی مرتب شده باشد.^۴

برخی از طریقت شناسان غربی نظیر دامبری، ملیورانسک، مارتین هارتمان و بروکلیمان نیز «دیوان حکمت» را مربوط به قرن پنجم هجری (قرن دوازده میلادی) می دانند. این مورخان معتقدند که ادعای تعلق «دیوان حکمت» به قرن هفدهم از جانب عده ای از محققین تنها به دلیل قلت اطلاعاتشان بوده است.^۵

به هر حال چه «دیوان حکمت»، مجموعه اشعار خود احمد یسوی باشد یا اینکه هیچ یک از نسخه های آن متعلق به خود یسوی نباشد، تردیدی نیست که سرودن اینگونه اشعار از سوی یسوی آغاز شده و توسط پیروان او گسترش یافته است و از خواندن آنگونه اشعار پی بردن به افکار، اندیشه ها و شخصیت خواجه احمد یسوی ممکن می شود.

حکمت های یسوی از دو عنصر اساسی تشکیل می شوند: ابتدا اسلام یعنی عنصر دینی و صوفیانه و دوم عنصر ملی یعنی ادبیات عامیانه باستانی ترکها. عنصر اول ایدئولوژی این طریقت و عنصر دوم شیوه تبلیغ و نوع اشعار خواجه احمد را تحت تأثیر گذاشته است.

۱- م. فؤاد، کوپولو، «مدخل احمد یسوی»، «دائرة المعارف اسلام»، ج ۱ (استانبول ۱۹۴۰).

۲- خواجه احمد یسوی، همان منبع.

۳- م. فؤاد، کوپولو، همان منبع.

۴- فضل الله روزبهان خنجی، «مهمان نامه بخارا»، به اهتمام منوچهر ستوده، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵).

۵- م. فؤاد، کوپولو، همان منبع.

& فعالیتهای فرهنگی - اقتصادی آمریکا در منطقه

نگارنده: پرویز قاسمی

تأمین اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا - توسعه پلورالیسم (تکثرگرایی) در دولتهای جدید آسیای مرکزی - حمایت و تأمین مالی می نماید. فعالیتهای دفتر نمایندگی مؤسسه غیردولتی اینتر نیوز در جمهوری قرقیزستان نیز با حمایت و پشتیبانی مالی این مؤسسه صورت میگیرد. آژانس آمریکایی توسعه بین المللی،

طرح استراتژیک جدیدی در ارمنستان تدارک دیده است. تمرکز اصلی استراتژی این آژانس در دوره زمانی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۴، ایجاد اشتغال، توسعه حاکمیت دموکراتیک و توسعه گرا و گسترش نظام تأمین اجتماعی اعلام شده است. جهت نیل به این اهداف مؤسسه توسعه بین المللی آمریکا توسعه ظرفیت انسانی و قابلیت های سیستمی ارمنستان را جهت پذیرا شدن تغییرات مانا مد نظر دارد و قصد دارد تا با پیشرفته ساختن روشهای اجرایی این اصلاحات و قابلیت نهادهای کلیدی، این مهم را به انجام برساند.

استراتژی جدید این آژانس عبور از همیاری و کمک های مستقیم انسانی به کمک های غیر مستقیم ولی دراز مدت است. با توجه به اینکه ارمنستان قوانین جدیدی را برای توسعه اقتصاد بازار آزاد وضع کرده است و به سمت رسیدن به معیارها و ملاکهای جامعه

۱- مؤسسه توسعه بین المللی آمریکا (USAID)

از سال ۱۹۹۲ میلادی، دولت آمریکا از طریق مؤسسه بین المللی توسعه، که مؤسسه ای غیر دولتی و فعال در جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز می باشد کمکهایی را در حدود ۱۸۰ میلیون دلار در اختیار جمهوری قرقیزستان قرار داده است. ارائه کمک و حمایتهای لازم در امور مربوط به توسعه قرقیزستان، وظیفه و مأموریت اصلی مؤسسه مذکور در این جمهوری آسیای مرکزی اعلام شده است. بر اساس گزارش اعلام شده تنها در سال ۱۹۹۹ بیش از ۹ هزار تن از شهروندان قرقیزی در برنامه ها و طرحهای آموزشی و تبادل بین المللی این مؤسسه شرکت نموده اند.

مؤسسه توسعه بین المللی آمریکا ضمن حمایت از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قرقیزستان، ایجاد زمینه و شرایط برای شرکت فعال شهروندان آن جمهوری در امر بهبود وضعیت و شرایط زندگی و جامعه قرقیز را بعنوان یکی دیگر از اهداف خود پی ریزی و دنبال نموده است. مؤسسه توسعه بین المللی همچنین برنامه ها و فعالیتهای بیش از ۸۰ مؤسسه و سازمان غیردولتی و همکار را از طریق انعقاد قرارداد همکاری و ارائه آموزشهای لازم، خدمات (کمکهای فنی) و مشورت به منظور اجرای اهداف فوق الذکر و

باز و دموکراتیک در حرکت است، استراتژی جدید آن جهت پیاده سازی اصلاحات مورد نظر خود بر این امور مبتنی است: رقابتیتر کردن اقتصاد، نظارت پاسخگو و مسئولانه بر منابع طبیعی و انرژی، ایجاد مؤسسات دولتی و خصوصی شفاف تر جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه و توسعه خدمات بهداشتی و تأمین اجتماعی. این استراتژی با همکاری دولت ارمنستان، بخش خصوصی، نمایندگان جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی تهیه و تدوین شده است.

آژانس آمریکایی توسعه بین المللی یکی از مؤسسات آمریکایی است که در طی دوران ۱۲ ساله پس از فروپاشی نظام کمونیستی فعالیت های چشمگیری در امور متنوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ارمنستان انجام داده است.

۲- مؤسسه خانه آزادی (Freedom House)

مؤسسه «خانه آزادی» سازمانی است که چندین سال است در زمینه های مختلف مرتبط با دموکراسی، آزادی اندیشه و رسانه ها در سطح جهان فعالیت می کند و گزارشهای سالانه این مؤسسه در این زمینه ها مورد استناد مراکز و محافل مختلف تحقیقاتی و پژوهشی قرار میگیرد. مقر این مؤسسه در نیویورک می باشد. در گزارش سالانه ارائه شده توسط مؤسسه خانه آزادی در خصوص وضعیت آزادی رسانه های جمعی در جهان در سال ۲۰۰۴ میلادی، کشورهای شوروی سابق - لتونی، لیتوانی و استونی - به عنوان کشورهای «تقریباً آزاد» معرفی شده اند، در حالیکه ترکمنستان در کنار کوبا و کره شمالی در انتهای لیست قرار دارد. در گزارش مذکور همچنین جمهوری ارمنستان همراه با کشورهای آفریقای مرکزی، مالدیو، موریتانی و سنگاپور، از نظر وضعیت آزادی رسانه های جمعی به عنوان کشوری «غیر آزاد» شناخته شده و مکانهای ۱۳۵ تا ۱۳۹ را در بین ۱۹۳ کشور جهان به خود اختصاص داده است. دانمارک با بیشترین حد آزادی رسانه ای در صدر این لیست قرار دارد و کره شمالی به عنوان کشوری با بدترین وضعیت از این منظر معرفی شده است. این مؤسسه در برخی از جمهوری ها از جمله اوکراین و ازبکستان دارای دفتر نمایندگی می باشد. معمار اصلی انقلاب نارنجی در اوکراین می باشد.

عملیات سری ایالات متحده برای تغییر حکومتها در اروپای شرقی از الگوی خاصی برخوردار بوده و اوکراین نیز در قالب این

استراتژی قرار گرفته است. انتخابات بلگراد در سال ۲۰۰۰ برای برکناری اسلوبودان میلوشویچ رئیس جمهور وقت صربستان توسط ریچارد مایلز سفیر ایالات متحده سازماندهی و هدایت شده بود. منابع مختلفی در خود بالکان و خارج از آن به خوبی این موضوع را در نوشته های خود ثبت نموده اند. نکته مهم آن است که همین آقای مایلز به گرجستان اعزام شد و سال بعد در آنجا نقشه سرنگونی ادوارد شوارنادزه را به اجرا درآورد و میخائیل ساآکاشویلی را به جای وی نشان داد که دست پرورده آمریکا و از طرفداران ناتو است و مسکو میانه خوبی با وی ندارد. جیمز بیکر نیز در این راستا نقش مهمی را ایفا نمود و برخی نیز در آن به این موضوع اشاره نمودند. گفته می شد که مایلز در کی یف نیز به همراه سفیر آمریکا در اوکراین «جان هرست» که سفیر سابق آمریکا در ازبکستان نیز بود به توطئه مشغول است. سازمان «جوانان دموکرات» اوکراین معروف به «Pora» یک نهاد دست نشانده و ساخته شده به دست آمریکاست. این سازمان از روی سازمان جوانان بلگراد به نام «Otpor» الگوبرداری شده که مایلز آن را نیز با کمک «NED» (سازمان کمک ملی برای دموکراسی)، سازمان جامعه باز سوروس، «USAID»، و چند اسم آشنای دیگر تشکیل داده بود. «Pora» یک نشانه تصویری برای نمایش در رسانه های غربی طراحی نمود که عبارت بود از طرح هوشمندانه یک مشت گره کرده سیاه و سفید. این سازمان حتی از یک نام مستعار نیز برخوردار شد که عبارت بود از «انقلاب دانه های بلوط» که آن را به بلوط هایی تشبیه می نمود که روی آتش کباب می شوند.

ساآکاشویلی پیش از به قدرت رسیدن توسط مایلز به بلگراد آورده شد تا در مورد الگوی اجرا شده در آنجا مطالعه کند. یکی از بخشهای مهم بازی رسانه های غربی طرح این ادعا بود که یوشچنکو برنده اصلی نظرسنجی های به عمل آمده از رأی دهندگان بوده است. اما آنچه بیان نگردیده این حقیقت است که مسئولان انجام نظرسنجی از رأی دهندگانی که از محل اخذ رأی خارج می گردند تعلیم دیده آمریکا هستند و توسط سازمانی با عنوان «خانه آزادی» آموزش دیده اند که یک مؤسسه وابسته به محافظه کاران جدید در واشنگتن است. خانه آزادی حدود

۱۰۰۰ نفر را برای نظارت بر انتخابات آموزش داد که همگی با صدای بلند، یوشچنکو را ۱۱ امتیاز جلوتر از رقیبش معرفی نمودند.

این ادعاها موجب برانگیخته شدن تظاهرات عمومی علیه تقلب در انتخابات شد. رئیس کنونی خانه آزادی، رئیس سابق سیا و محافظه کار جدید، آدمیرال جیمز وولسی است که جنگ دولت بوش علیه تروریسم را «جنگ جهانی چهارم» می داند. یکی از اعضای مدیره خانه آزادی کسی نیست جز برژینسکی. بدین ترتیب بعید است که خانه آزادی را بتوان یک سازمان بی طرف در زمینه حقوق بشر به حساب آورد.

۳- بنیاد کمک ملی به دموکراسی

National Endowment For Democracy (NED)

مؤسسه کمک ملی به دموکراسی در دوره اول ریاست جمهوری رونالد ریگان و توسط کنگره ایالات متحده آمریکا تأسیس شده و هدف آن واگذاری برخی وظایف سیا به بخش خصوصی و بری نمودن واشنگتن از اتهام مداخله جویی در امور دیگر کشورها می باشد. این مؤسسه خود را تشکیلاتی توصیف می کند که غیر انتفاعی، غیردولتی، دوحزبی و ارائه کننده کمکهای مختلف است و وظیفه آن تلاش برای تحکیم دموکراسی در اقصی نقاط جهان است. تأسیس مؤسسه کمک ملی به دموکراسی (NED) در حقیقت با هدف تقویت تأثیرگذاری سیاسی ایالات متحده در نقاط مختلف جهان صورت گرفت. چرا که با وجود قانون ممنوعیت سیا از ورود به مباحث دموکراتیک که در سال ۱۹۷۷ به دستور جیمی کارتر به NED صورت گرفت، نقش برون مرزی آمریکا تضعیف شده بود و وابستگان آن پیوسته با اتهاماتی روبرو بوده اند که حاکی از پشتیبانی آنها از نامزدهای مخالف و پیشبرد حرکت‌های خرابکارانه در کشورهایی است که دولتهایشان با وجود آنکه از طریق دموکراتیک انتخاب شده اند، تهدیدی برای منافع ایالات متحده به حساب می آیند.

بنا به گفته رسانه های انگلیسی و دیگر منابع، سازمان NED وابسته به دولت آمریکا و بنیاد کارنگی به همراه سازمان USAID وابسته به وزارت امور خارجه همگی در تغییر حکومت در اوکراین دست

داشتند. شایان ذکر است که ویکتور یوشچنکو از مدتها پیش یعنی از نوامبر سال ۲۰۰۱ در میهمانیهای شام دولت بوش شرکت می نمود که هزینه آن از سوی بنیاد کمک ملی به دموکراسی (NED) تأمین شده و این بنیاد نیز منابع مالی خود را از کنگره دریافت می کند. صاحب نظران معتقدند که اعتراض عمومی و آشکار به نتایج باطل شده انتخاباتی که در اوکراین برگزار شد و در نتیجه آن ویکتور یانوکویچ کاندیدای مورد حمایت روسیه روی کار آمد حداقل تا حدی حاصل سناریویی بود که مؤسسه کمک ملی به دموکراسی دست اندرکار طراحی و نوشتن آن بود. چنانکه آسوشیتدپرس نیز گزارش داد که دولت بوش در دو سال گذشته بیشتر از ۶۵ میلیون دلار صرف حمایت از کاندیدای مخالف در اوکراین کرده است. رد پای مؤسسه کمک ملی برای دموکراسی را در مسائل مللی همچون ونزوئلا و هائیتی نیز می توان دید.

در عین حال روزنامه انگلیسی گاردین نیز در این خصوص می نویسد: مؤسسه بین المللی جمهوریخواهان (IRI) و مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین الملل (NDI) در دامن زدن به مبارزات انتخاباتی به نفع ویکتور یوشچنکو کاندیدای مخالفی که محبوب غرب است دخالت داشته اند. وزارت خارجه و نیز رسانه های آمریکایی در واکنش به شکست یوشچنکو در انتخابات بلافاصله تقلب در انتخابات را محکوم کردند.

۴- مؤسسه بین المللی جمهوریخواهان (IRI):

International Republican Institute

رهبری مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین المللی را مادالین آلبرایت، وزیر امور خارجه سابق آمریکا بر عهده دارد. این مسئولیت در زمان ریاست جمهوری کارتر به آلبرایت سپرده شد و همچنان در اختیار اوست. هدایت مؤسسه بین المللی جمهوریخواهان هم در دست سناتور جان مک کین است.

هر دو مؤسسه ادعای بیطرفی دارند، اما ارتباطات بسیار نزدیک آنها با احزاب آمریکایی هم نامشان (جمهوریخواهان و دموکراتها) کاملاً روشن است. آوازه ستیزه جوییهای این مؤسسات عالمگیر است و در سراسر دنیا بسته به اینکه از چه گروههایی پرسش شود از آنها با عناوینی نظیر کمک کننده، مداخله گر، توطئه گر محض و ... یاد می شود. در برخی از نقاط دنیا اقدامات این سازمانها مورد

تمجید حامیان دموکراسی قرار گرفته است. با این حال در بسیاری از جمهوری های جهان سومی نام این مؤسسات با طرحهای پنهانی روی کار آمدن دولتهای متمایل به آمریکا گره خورده است. این مؤسسات و سازمان ها در جمهوری های شوروی سابق به ویژه در ایام انتخابات (مورد اخیر در عراق) کوشش می کنند به احزاب سیاسی که در انتخابات این کشورها مشارکت دارند کمک نمایند. NDI در برخی از جمهوری ها از جمله آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، اوکراین، روسیه (دارای شعباتی در پترزبورگ، کراسنودار، یاروسلاول، چلیابینسک، ساراتوف، سامارا، آستراخان، کالینینگراد و نیژنی نووگراد) و قرقیزستان دفاتر نمایندگی دارد. سازمان هایی که واشنگتن منابع مالی آنها را تأمین می نماید به شدت در تلاش هستند تا از رقابای سیاسی فعال در انتخابات پشتیبانی نمایند. بعضاً در پاسخ به انتقادهای مطرح شده درخصوص نقش آنها در انتخابات مدعی می شوند که مشارکتشان چیزی جز همکاری های خیرخواهانه نیست. سازمان ها و مؤسساتی که از یک سو از حمایت های مالی آمریکا برخوردارند و از دیگر سو سابقه ای طولانی در دستکاری دموکراسی های غربی در جهت منافع واشنگتن دارند، در ایام اوج فعالیت ها و کارزار سیاسی و انتخابات طی حرکتی آرام و در عین حال عمیق در تمام ابعاد بروز و ظهور پیدا می کنند. شایان ذکر است که اخیراً و به دنبال بازداشت روسلان بشیرلی رهبر حزب «ینی فکر» جمهوری آذربایجان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و ارتباط مشکوک با سازمان ها و عناصر خارجی از جمله مؤسسه دموکراتیک ملی، دادستانی کل این کشور سازمان مذکور را به همکاری و همدستی با فعالان و احزاب مخالف جهت اقدام برای انقلاب متهم نموده است. در این راستا و با توجه به در پیش رو بودن انتخابات پارلمانی در جمهوری آذربایجان، حساسیت های دولتمردان این کشور به فعالیت های سازمان های خارجی به دلیل ترس و نگرانی از احتمال بروز نوبتی انقلاب رنگی (همچون سایر جمهوری ها) افزایش یافته است. بازداشت رهبر حزب ینی فکر بازتاب های بسیاری در آذربایجان داشته و برخی از احزاب طرفدار جناح حاکم از جمله حزب «مساوات معاصر»، حتی مواضع تند و شدید الحنی را علیه فعالیت های مؤسسه دموکراتیک ملی ابراز داشته اند. این حزب در بیانیه ای، علناً مؤسسه مذکور را عامل

شبکه های جاسوسی غرب توصیف و تعطیلی فوری فعالیت های آن و اعلام سفیر آمریکا بعنوان عنصر نامطلوب و اخراج وی از آذربایجان را خواستار شده است.

مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین المللی و مؤسسه بین المللی جمهوریخواهان دو نمونه از این مؤسسات هستند که در قالب کنسرسیومی متشکل از سازمانهای غیردولتی سازماندهی شده اند و ایالات متحده بیش از ۸۰ میلیون دلار برای فعالیتهای سیاسی و انتخاباتی در عراق پس از صدام در اختیار آنها گذاشته است. در حقیقت رد پای این مؤسسات را که خود را حامی دموکراسی معرفی و از پشتیبانی مالی آمریکا بهره می برند (و منتقدان آنها را با قطع و یقین ضد دموکراسی می دانند) در تمام شئون فعالیتهای انتخاباتی، جریان سازی سیاسی و تبلیغاتی، نظارت بر انتخابات عمومی و در برخی موارد حتی تأثیرگذاری بر آرای که از صندوق ها بیرون خواهد آمد را در بیشتر جمهوری ها میتوان مشاهده نمود.

۵- مؤسسه «ابتکار دموکراسی و حقوق بشر اروپا»

هدف اصلی این مؤسسه که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده کمک به توسعه و پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر و پیشگیری از بروز مناقشات در سه کشور قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان از طریق حمایت و پشتیبانی مالی از طرح ها و برنامه هایی می باشد که در راستای تأمین و حصول اهداف مذکور می باشند. دفتر اصلی نمایندگی در قزاقستان بوده و فعالیت ها و برنامه های آن در جمهوری های قرقیزستان و تاجیکستان با هدایت و برنامه ریزی دفتر قزاقستان انجام می گیرد. نمایندگی اینتر نیوز در قرقیزستان با همکاری و مشارکت مؤسسه ابتکار دموکراسی و حقوق بشر اروپا برنامه ای را با مطبوعات و رسانه های گروهی قرقیزستان در چارچوب نیل به هدف توسعه و دفاع از حقوق روزنامه نگاران، حمایت از اصلاحات در امر تدوین قوانین مربوط به مطبوعات و رسانه های گروهی، بکار گرفتن تلاش ها و مساعی جهت حل مسائل و مشکلات در این زمینه و بطور کلی تقویت دموکراسی در جمهوری قرقیزستان به اجرا در می آورد.

۶- شبکه اوراسیا

اوکراین، ارمنستان، روسیه و گرجستان دارد. در یکی از بحث های آزاد اینترنتی آنلاین که در اواخر سال ۸۲ در منطقه قفقاز جنوبی و با عنوان «انقلاب مخملی و دموکراسی در قفقاز» برگزار گردید بیش از ۱۰۰ دانشجوی آذری، ارمنی و گرجی در آن شرکت نمودند. این بحث آزاد را کنت لوگون معاون وقت آژانس آسیای مرکزی و قفقاز بخش اروپای شرقی وزارت امور خارجه آمریکا اداره می نمود.

منابع مورد استفاده:

- ۱- سایت نمایندگیهای بنیاد سوروس در جمهوریهای اوکراین، آذربایجان، ارمنستان، روسیه، قزاقستان و روسیه
- ۲- سایت نمایندگیهای internews در آسیای مرکزی و قفقاز
- ۳- سایت مؤسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)
- ۴- سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- ۵- ویژه نامه همشهری - فروردین ۸۴
- ۶- روزنامه همشهری (ویژه نامه) - خرداد ۸۴
- ۷- روزنامه همشهری - شماره ۳۲۴۹
- ۸- بولتن گزیده اخبار رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در ارمنستان
- ۹- نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۱۶، خرداد ۸۴
- ۱۰- کیهان نیوز مورخه ۸۳/۱۲/۱۶ (kayhannews.ir)
- ۱۱- همان منبع - مورخه ۸۴/۴/۱۸
- ۱۲- نشریه چشم انداز ایران، اردیبهشت و خرداد ۸۴، شماره ۳۱
- ۱۳- روزنامه ۵۲۵ جمهوری آذربایجان مورخه ۶ اوت ۲۰۰۵
- ۱۴- روزنامه قدس مورخه ۸۳/۹/۲۹
- ۱۵- سایتهای روسی eurasianet و iamik.ru

EURASIANET مطالب و گزارشهای خبری و تحلیلی از حوادث و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و وضعیت محیط زیست کشورهای اوراسیای مرکزی و قفقاز و نیز روسیه، خاورمیانه و کشورهای آسیای جنوب غربی چاپ و منتشر می نماید. دفتر مرکزی شبکه اوراسیا در نیویورک بوده و با همکاری و مشارکت مؤسسه «جامعه باز» در چارچوب طرح و برنامه ای تحت عنوان «اوراسیای مرکزی» در منطقه فعالیت می نماید. هدف طرح مذکور ارائه اخبار و اطلاعات مربوط به مسئولین و دست اندرکاران ذیربط و نیز تلاش در جهت افزایش توجه افکار و محافل اجتماعی به منطقه می باشد. نمایندگی اینترنت نیوز در قرقیزستان موافقت نامه ای را با شبکه اوراسیا مبنی بر راه اندازی یک مرکز ویژه برای روزنامه نگاران و عکاسان قرقیزستان بمنظور چاپ مطالب و مقالات آن در سایت شبکه اوراسیا منعقد نموده است.

۷- مرکز بین المللی روزنامه نگاری (ICFJ)

International Centet For Journalists

مقر اصلی مرکز بین المللی روزنامه نگاری در واشنگتن می باشد و بعنوان یک موسسه تجاری فعالیت دارد و هدف آن حمایت از روزنامه نگاران می باشد. مؤسسه مذکور در سال ۱۹۹۴ با هدف ارائه و تبادل تجربیات، دانش و اطلاعات مطبوعات و رسانه های گروهی آمریکا با روزنامه نگاران سایر کشورها می باشد. ICFJ در ابتدای سال ۲۰۰۲ میلادی با همکاری اینترنت نیوز سمینارهایی را در آسیای مرکزی برای مطبوعات برگزار نمود. مرکز بین المللی روزنامه نگاری در فعالیتهای و برنامه های مربوط به مطبوعات و رسانه های گروهی در کشورهای آسیای مرکزی همکار و شریک فعال اینترنت نیوز بشمار می رود.

۸- سازمان Project Harmony

فعالتهای بنیادی و زیرساختی آمریکائیان در منطقه و بویژه قفقاز جنوبی با بهره گیری از فن آوری ها و روش های مدرن هر روز شکل و جلوه ای جدید می یابد. بکار گیری و استفاده از طرحهای مختلف همچون بحث های آزاد اینترنتی آنلاین را از جمله این موارد می توان برشمرد. هماهنگ کننده و برگزار کننده این برنامه ها سازمان آمریکایی Project Harmony می باشد. این سازمان در سال ۱۹۸۵ تأسیس شده و ۱۷ نماینده در کشورهای آذربایجان،

& زبان روسی در آسیای مرکزی و قفقاز*

نگارنده: سینان اوگان**

مترجم: جلیل یعقوب زاده فرد

تحت عنوان زبان روسی در دنیا توسط وزارت امورخارجه فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۲ تهیه شده تصریح شده است که دیپلماسی روسیه نمی تواند نسبت به وضعیت کنونی زبان روسی در دنیا لاقید بماند. روسیه همچنین مجبور شده است تا برای حفظ جایگاه زبان روسی در داخل فدراسیون روسیه اقدام به اتخاذ تدابیری نماید. شورای زبان روسی که در سال ۲۰۰۰ تشکیل گردید در راستای این هدف در پی جلوگیری از کاربرد غلط زبان روسی و کنترل نفوذ فزاینده زبان های دیگر به خصوص انگلیسی می باشد. از طرف دیگر سؤال «آیا به زبان روسی آشنایی دارید؟» در اولین سرشماری نفوس در دوره بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از نقطه نظر اهمیتی که زبان روسی دارد شایان توجه است.

در حالیکه در ده سال اخیر در بیشتر کشورهای شوروی سابق و در دنیا علاقه به فراگیری و استفاده از زبان روسی کاهش یافته است در برخی از کشورها همانند ترکیه علاقه به این زبان افزایش نشان می دهد. در کاهش نسبت کاربرد روسی در کشورهای شوروی سابق خیزش جنبشهای ملی گرا و مهاجرت روسی زبانهای این کشورها مؤثر بوده اند. از طرف دیگر، در برخی از کشورهای جهان سوم نیز تضعیف و انحطاط اسطوره های ایدئولوژیک بر اثر

برای درک اهمیت رواج استفاده از زبان روسی در اراضی اتحاد جماهیر شوروی برای روسیه کافی است تا به متن آموزه امنیت ملی فدراسیون روسیه منتشره در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰ رجوع کنیم. در این متن آمده است: «بدون حفظ نقش موجود زبان روسی به عنوان عامل تامین کننده وحدت معنوی اقوام ساکن فدراسیون چند ملیتی روسیه و وسیله ارتباط در میان کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، نوسازی معنوی جامعه ممکن نیست». در واقع، اگر این مسئله در ابعاد منطقه ای آن مورد بررسی قرار گیرد استفاده از زبان روسی به عنوان ابزار ارتباطی در خارج از فدراسیون روسیه (همانند اعلان زبان روسی به عنوان زبان رسمی) و داخل شدن آن در آموزه امنیت ملی روسیه نشان خواهد داد که عنصر زبان به عنوان ابزار ادغام و فشار در محیط نزدیک چگونه مورد استفاده قرار می گیرد.

زبان روسی در سیاست خارجی روسیه به عنوان یک ابزار بسیار مهم مورد استفاده قرار می گیرد. ولی در سالهای اخیر در محیط نزدیک روسیه، سنت کاربرد زبان روسی به تدریج در حال اضمحلال است. این وضعیت موجب تضعیف جایگاه زبان روسی در سیاست خارجی این کشور نیز گردیده است. در گزارشی که

فروپاشی بلوک شرق در کاهش علاقه مندی به زبان روسی مؤثر بوده است. با این همه، در برخی از کشورها همچون ترکیه به سبب روابط اقتصادی، تجاری و جهانگردی با فدراسیون روسیه علاقه مندی به زبان روسی به سرعت افزایش یافته است. از طرف دیگر با وجود کاهش علاقه مندی به زبان روسی در کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، علاقه مندی به زبان های ملی و بومی، انگلیسی، آلمانی، ترکی و کره ای به نسبت فزاینده ای در حال افزایش است.

افزایش احساسات استقلال خواهی در میان اقوام شوروی بر اثر سیاستهای شفاف سازی و نوسازی گورباچف موجب آگاهی نسبت به آزادی ها و حقوق اولیه انسانی و ملی در میان مردم این کشورها گردید. از جمله آزادیهای که در این دوره با اقبال عمومی مردم مواجه گردید بی شک آزادی استفاده از زبان بومی بود. بازگشت به هویت و زبان بومی که با جنبش استقلال خواهی عجین شده بود بعد از استقلال جمهوریهای شوروی سابق شکل سیستماتیک به خود گرفت. از طرف دیگر در بیشتر کشورهای تازه به استقلال رسیده، ملی گرایی قومی و مسئله بیکاری که به موازات وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی پدید آمد و به سبب رفتار تندی که علیه روسهای ساکن این کشورها بروز نمود موجب گردید تا روسهای ساکن این کشورها خود را عناصر بیگانه حس کنند. به موازات این مشکلات فدراسیون روسیه برای این روسها به کانون جاذبه تبدیل شد و به مهاجرت های دسته جمعی آنها به فدراسیون روسیه منجر گردید.

در چارچوب سیاست بازگشت به فرهنگ خودی و با مهاجرت دسته جمعی روسها زبان روسی در ادارات، مدارس و وسایل ارتباط جمعی جمهوریهای شوروی سابق به سرعت جای خود را به زبانهای بومی سپرد. اگرچه شمار دانش آموزان در مدارس روسی زبان در این دوره کاهش نسبی یافت ولی بعداً در برخی از جمهوریها رو به افزایش گذاشت. ولی دلیل اصلی این علاقه مندی به زبان روسی این بود که اکثر کتب درسی هنوز هم به زبان روسی هستند و هزینه تأمین کتب درسی از روسیه پایین است. از طرف دیگر، این اعتقاد هنوز مهم وجود دارد که کیفیت تدریس در مدارس روسی زبان نسبت به دیگر مدارس بسیار بالاست.

همانند دیگر عوامل سیاست این کشور در قبال روسهای ساکن کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع نیز در سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین دچار تغییر گردید. جماعت روس تبار این کشورها به عناصر فعال سیاست خارجی روسیه و عنصر تعیین کننده روابط دوجانبه تبدیل شد. همچنین، این استراتژی به مداخله روسیه در جمهوری هایی که دارای روابط پرتنش با این کشور می باشند، مشروعیت بخشیده است. روسهای خارج از روسیه حتی موضوع سیاست و کشمکشهای داخلی این کشورها شده اند و اقتدار و اوپوزسیون همدیگر را به علت عدم حمایت از روسها متهم می کنند.

زبان روسی مهمترین عنصر پویای سیاست فرهنگی روسیه در قبال کشورهای شوروی سابق هستند. در این سیاست علاوه بر نخبگان تحصیل کرده در روسیه روس تبارهای ساکن این کشورها و اقلیتهای قومی روس زبان مطرح می باشند و نقش مسلطی نیز به این عناصر در این استراتژی واگذار شده است.

تأسیس جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و مسئله روسهای خارج از روسیه

سال ۱۹۹۱ سالی بود که تحولات سریع و غیر قابل باوری در اتحاد جماهیر شوروی رخ داد. آنگاه که دولتمردان متوجه شدند که سیاست شفاف سازی و نوسازی اتحاد جماهیر شوروی را به فروپاشی سوق می دهد با هیجان و نگرانی برای رهایی امپراتوری از این وضعیت تلاش کردند. در این میان پیشنهاد سولژنیستین که سالها در مجمع الجزایر کولاک زندانی بوده و بعدها از تابعیت شوروی اخراج شده بود در مورد اتحاد اسلاوها توجهاتی را به سوی خود جلب نمود. در این ایده اتحاد جمهوریهای اسلاو و متعاقب آن ادغام جمهوری های دیگر در این اتحاد بگونه ای که باری بر دوش روسیه نباشند. پیش بینی شده بود. در آگوست ۱۹۹۱ قبل از اینکه پیشنهاد میخائیل گورباچف در مورد قرارداد جدید کنفدراسیون مطرح گردد، بوریس یلتسین دبیر کل حزب کمونیست فدراسیون روسیه تحت تأثیر عقده های درونی خود پیشنهاد جدیدی را مطرح ساخت و دست به اقدام زد که به معنی پایان رسمی اتحاد جماهیر شوروی بود. در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ رهبران سه جمهوری اسلاو تبار شوروی فدراسیون روسیه، اوکراین و روسیه

سفید گرد هم آمده فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأسیس جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع را به جای آن رسماً اعلان داشتند. در این قرارداد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک «شخصیت حقوقی بین المللی و یک واقعیت ژئوپلیتیک» اعلان شده بود. با این همه، عناصر اسلاو مؤسس اتحاد جماهیر شوروی آنگاه که برای ساقط کردن امپراتوری قدم بر می داشتند مطمئن بودند که دیگر کشورها نیز به اتحادیه آنها خواهند پیوست. همچنانکه اندک مدتی پس از آن ملاحظه گردید که این انتظار چندان هم اشتباه نبوده است. زیرا، رهبران جمهوریهای آسیای میانه در ۱۲ دسامبر در عشق آباد گردهم آمده و اعلان کردند که «این اتحادیه نباید مبتنی بر خصوصیات قومی و دینی باشد و از این جامعه حمایت می کنند». بدین ترتیب، کشورهای آسیای میانه که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بی آنکه خود بخواهند به استقلال دست یافته بودند تصمیم گرفتند که به اتحادیه اسلاوها بپیوندند.

بعد از استعفای گورباچف در ۱۵ دسامبر سران جمهوریهای شوروی سابق به استثنای کشورهای بالتیک و گرجستان در ۲۱ دسامبر در پایتخت قزاقستان آلماتی گرد هم آمده بیانیه آلماتی را در مورد تأسیس جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع امضا نمودند و تأسیس رسمی آن را اعلان کردند. با پیوستن گرجستان به جامعه مذکور در دسامبر ۱۹۹۳ که از ۱۱ دولت شوروی سابق تشکیل شده بود شمار اعضای آن به ۱۲ کشور ارتقا یافت و به استثنای کشورهای بالتیک همه جمهوریهای شوروی سابق را در بر گرفت. اعضای مؤسس با این قرارداد اعلان کردند که مسئولیت داخلی و خارجی اتحاد جماهیر شوروی را به عهده می گیرند و وارث امپراتوری پیشین می باشند. بدین ترتیب امپراتوری پیشین جای خود را به یک نهاد بین المللی متشکل از ۱۲ جمهوری مستقل داد.

اگرچه جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع از طرف جمهوری های شوروی سابق (به استثنای کشورهای بالتیک) تأسیس یافته بود ولی در تأسیس آن و کسب هویت آن روسیه نقش مسلطی ایفا نموده است. روسیه که عنصر مسلط اتحاد جماهیر شوروی بود، همین نقش را در داخل جامعه مذکور نیز به عهده دارد. دلایل قابل

درکی برای اقدامات روسیه در ارتباط با جامعه مذکور وجود دارد. اگرچه کشورهای شوروی سابق در این جامعه جای گرفته اند جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع مهمترین ابزار روسیه برای تداوم هژمونی روسیه در محیط نزدیک این کشور می باشد. آنگاه که آموزه سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه مورد بررسی قرار می گیرد این امر به خوبی درک خواهد شد.

اهداف روسیه در حوزه شوروی سابق در آموزه سیاست خارجی فدراسیون روسیه منتشره در ۲۳ آوریل ۱۹۹۳ به این شرح تبیین گردیده است: «تعمیق همکاری سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای تازه به استقلال رسیده در چارچوب جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و روابط دوجانبه، تحکیم زیربنای جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و تأسیس نیروهای حافظ صلح جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع» در آموزه های جدید سیاست خارجی فدراسیون روسیه که در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۰ منتشر گردید همانند آموزه سال ۱۹۹۳ به الویتهای منطقه ای اهمیت ویژه ای معطوف شده است. در این سند ضمن تأکید بر روابط با همزادهای خارج از روسیه اعلان شده است که روابط دوجانبه و چند جانبه فدراسیون روسیه با کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع باید منطبق با ضرورتهای امنیت ملی این کشور باشد. این مورد را در اظهارات پوتین نیز می توان مشاهده نمود. پوتین در اظهاراتی که در نشست غیر رسمی رهبران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع در سوچی انجام داد اعلان نمود که «و الویت اساسی سیاست خارجی روسیه جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع» می باشد.

از طرف دیگر، در آموزه امنیت ملی فدراسیون روسیه که در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰ منتشر گردید، با اشاره به اینکه تضعیف اتحاد درونی جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع مهمترین تهدید علیه امنیت ملی روسیه می باشد بر اهمیت روابط با جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع برای این کشور تأکید شده بود. یکی از مواردی که برای فدراسیون روسیه در روابط با جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع دارای اهمیت فراوان می باشد تلاش برای اعطای هویت رسمی به زبان روسی در این کشورها از طریق گسترش کاربرد زبان روسی در این کشورها می باشد. این استراتژی ابتدا از

درون جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع آغاز گردید. به پیشنهاد فدراسیون روسیه با در نظر گرفتن نسبت آشنایی به زبان روسی در میان کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع زبان روسی زبان رسمی جامعه مذکور انتخاب گردید. همچنین روسیه برای ترویج استفاده از زبان روسی در جمهوریهای شوروی سابق و تعیین این زبان به عنوان زبان رسمی همانند قرقیزستان (نه به عنوان زبان دولتی) تلاش می کند. ولی علیرغم همه این تلاشها در کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع تنها در روسیه سفید در کنار زبان بلاروسی زبان روسی به عنوان زبان دولتی انتخاب گردیده است. علاوه بر این کشور، در کشورهای قرقیزستان، مولداوی، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان (بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۹۵) زبان روسی زبان ارتباطی انتخاب شده است. همچنین، قرقیزستان در می سال ۲۰۰۰ روسی را زبان رسمی خود اعلان کرده است. در واقع، انتخاب زبان روسی به عنوان زبان ارتباطی از طرف اکثر کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع یک موفقیت برای فدراسیون روسیه محسوب می گردد.

وضعیت کنونی زبان روسی در جمهوری آذربایجان

تقریباً ۷۰ درصد شهروندان آذربایجان با زبان روسی آشنایی دارند. این نیز معادل ۵/۵ میلیون نفر می باشد. در میان این تعداد ۱۵۰ هزار روس تبار و ۷۰۰ هزار نفر داغستانی تبار و دیگر اقلیتهای قومی شهروند آذربایجان نیز وجود دارد. در آذربایجان جایگاه حقوقی برای زبان روسی شناخته نشده است. با این همه در عمل زبان روسی کارکرد زبان ارتباطی بین اقوام داخل کشور را ایفا می کند. در میان کشورهای شوروی سابق برای اولین بار در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ جمهوری آذربایجان در مورد استفاده از الفبای لاتین به جای کیریل روسی و با تنفیذ قانون زبان دولتی جمهوری آذربایجان توسط ابوالفضل ایلچی بیگ در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲ برای اعطای جایگاه حقوقی به زبان ترکی و اعلان آن به عنوان زبان دولتی اقدام نمود. ولی در ماده ۷ قانون اساسی جدید جمهوری آذربایجان با تلاش ویژه حیدر علی اف که در پی برکناری ایلچی بیگ از پست ریاست جمهوری به این پست انتخاب شده بود، زبان دولتی زبان آذربایجانی اعلان گردید. با انجام برخی اقدامات برای

تقویت زبان آذربایجانی در کشور زبان روسی به زبان بیگانه تبدیل گردید. در این چارچوب با ادغام دانشگاه تربیت معلم جمهوری آذربایجان که دانشگاه با سابقه در پرورش معلمان زبان روسی بود با دانشگاه زبانهای خارجی فرایند تبدیل زبان روسی به عنوان زبان بیگانه صورت رسمی به خود گرفت. تلاش برای اعلان زبان آذربایجان به عنوان زبان دولتی و فرمان ریاست جمهوری آذربایجان برای استفاده اجباری از الفبای لاتین به جای کیریل از اول آگوست ۲۰۰۱ به بعد و از طرف دیگر کاهش جمعیت روس تبار در آذربایجان تلاشها برای رسمیت بخشیدن به زبان روسی را به شکست کشاند. با این همه نباید از جایگاه معتبر زبان روسی در این کشور غافل شد.

خیزش احساسات ملی گرایی در سالهای اولیه استقلال آذربایجان، سرکوبی خونین حوادث باکو بوسیله نیروهای نظامی شوروی در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۱ و رواج این ایده که روسها مسئول اصلی شکستها در مناقشه قره باغ هستند، علاقه مندی به زبان روسی را در این کشور به شدت کاهش داد. ولی عادی سازی روابط با فدراسیون روسیه در دوره علی اف و تضعیف احساسات مذکور علاقه مندی به زبان روسی را بار دیگر افزایش داد. در دوره علیف بر شمار مدارس دوره متوسط روسی زبان افزوده شد. در این مدارس کتب وارد شده از روسیه تدریس می گردد و به دانش آموزان عشق به فدراسیون روسیه آموزش داده می شود.

نفوذ فرهنگ روسی در حوزه آموزش کودکان در آموزش عالی نیز خود را نشان می دهد. دانشگاه اسلاویان که در دوره اتحاد جماهیر شوروی برای پرورش کادر آموزشی آشنا به زبان روسی تشکیل شده بود امروزه نیز به فعالیتهای خود ادامه می دهد. همچنین، در دانشگاه دولتی باکو به عنوان با سابقه ترین مؤسسه آموزش عالی کشور، دانشگاه علوم پزشکی جمهوری آذربایجان و مؤسسات آموزشی مشابه رشته هایی وجود دارند که تدریس در آنها انحصاراً به زبان روسی انجام می گیرد. علاوه بر این منابع درسی این دانشگاهها کتبی هستند که در روسیه به چاپ رسیده اند.

شمار دانش آموزان آذربایجانی که آموزش خود را به زبان روسی انجام می دهند، در سال ۲۰۰۲ در حدود ۱۲۵ هزار نفر بوده است. این نیز معادل ۱۳ درصد کل دانش آموزان این کشور می باشد. در

۳۷۹ مدرسه از ۲۷۸۳ مؤسسه آموزشی کشور، آموزش به هر دو زبان آذربایجانی و روسی صورت می‌گیرد. شمار مدارس ابتدایی که در آن آموزش به زبان روسی انجام می‌گیرد ۲۹ مدرسه می‌باشد. در ۱۸ مؤسسه آموزش عالی، در ۱۹ شعبه مؤسسه آموزش عالی روسیه در آذربایجان و در ۳۸ هنرستان تخصصی در حدود ۲۰ هزار دانش آموز و دانشجو به زبان روسی تحصیل می‌کنند. در دانشگاه اسلاویان باکو که در اثنای دیدار پوتین از آذربایجان در ژانویه ۲۰۰۱ افتتاح گردید، تحصیل و تعلیم ۴۰۰ دانشجو به زبان روسی صورت می‌گیرد. بخش بزرگی از کتب و منابع مورد استفاده در مؤسسات روسی زبان از روسیه وارد می‌شود. از این روی، نیز ملی بودن نظام آموزشی آذربایجان زیر سؤال می‌باشد. لایحه قانون جدید آموزش و پرورش که از سالها پیش مورد مذاکره قرار گرفته و هنوز به تصویب نرسیده ملی بودن نظامی آموزش را ملزم نمی‌سازد. ماده ۷ لایحه قانون مذکور استفاده از زبانهای بیگانه در نظام آموزشی را مجاز اعلان می‌دارد. در آذربایجان نیز همانند دیگر جمهوریهای شوروی سابق طبیعی است که نخبگان جوانی که به منظور آموزش به ترکیه و کشورهای غربی مسافرت کرده اند بعد از مدتی حاکمیت را به دست خواهند گرفت. این نیز نشان می‌دهد که جای نخبگان پیشین که در روسیه تحصیل کرده خود را به مسکو نزدیک تر حس می‌کنند، نخبگان غرب گرا و غرب دیده خواهد گرفت.

از این روی، وزیر آموزش روسیه ولادیمیر فیلیپوف در اثنای دیدار آوریل ۲۰۰۲ خود از آذربایجان ظرفیت پذیرش دانشجو از آذربایجان را در سال ۲۰۰۲ از ۲۴ نفر به ۷۰ نفر افزایش داد. همچنین وی به طرف آذربایجان اعلان داشت که روسیه خواهان ایجاد دانشگاه مشترک روسی - آذربایجانی است که کلیه هزینه های آن را خود تقبل می‌کند. مرکز زبان روسی که تحت سرپرستی لودمیلا پوتین (همسر ولادیمیر پوتین) به منظور ترویج استفاده از زبان روسی در جمهوریهای شوروی سابق تشکیل گردیده، اقدام به برگزاری اولمپیادهای جهانی زبان روسی کرده و برای برندگان آن امکان تحصیل رایگان در دانشگاههای روسیه را فراهم می‌کند. به منظور حفظ و توسعه زبان روسی هم رئیس جمهور روسیه و هم همسر وی دست به تلاش جدی زده اند. به خصوص در حالیکه

پوتین در مسافرت به کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع از رؤسای این کشور خواستار توجه به زبان روسی می‌گردد، همسر وی لودمیلا پوتین نیز به واسطه شورای زبان روسی دست به فعالیت گسترده ای در این کشور زده است به همراه همسر رؤسای فوق تدابیری را برای حفظ و ترویج زبان روسی در این کشورها تحقق می‌دهد. با در نظر گرفتن این مسئله که اکثریت ۲ میلیون آذربایجانی که در فدراسیون روسیه ساکنند به زبان روسی سخن می‌گویند شمار کسانی که به زبان روسی در این کشور سخن می‌گویند، به اندازه ای نیست که نادیده گرفته شود.

با اینکه ترکیه در عرصه اجتماعی و فرهنگی آذربایجان جایگاه مهمی کسب کرده است، ولی هنوز هم نفوذ روسیه ادامه دارد. در باکو به خصوص در میان روشنفکران زبان روسی هنوز هم تسلط دارد. بخشی از جوانان و روشنفکران و اقشار میانی و بالای جامعه هنوز هم به زبان روسی سخن می‌گویند. برای اینان زبان آذربایجانی زبان روستاییان است. اینان از زبان ترکی استانبولی نیز استفاده نمی‌کنند. دانشجویان آذربایجانی نیز که در ترکیه تحصیل کرده به کشور خود بازگشته اند در وضعیت پریشانی قرار دارند.

امروزه سخن گفتن به زبان روسی و آشنایی به فرهنگ روسی نشانه ای از غربی بودن محسوب می‌شود. کانال انتقال نوگرایی، غرب گرایی و اروپا گرایی به باکو مسکو است. همچنانکه پوتین به جز «سلام سرباز» در مراسم فرودگاه باکو از زبان ترکی آذربایجانی به هیچ وجه استفاده ننمود. پوتین به خاطر عدم ترجمه سخنانش در مجلس جمهوری آذربایجان و احترامی که در این کشور برای زبان روسی قایلند از علی اف تشکر و قدردانی نمود. همچنین، زبان روسی نفوذ جدی در مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی آذربایجان دارد. از ۴۹۳ ارگان مطبوعاتی ثبت شده در کشور ۵۰ عدد آن به زبان روسی منتشر می‌گردد. پر تیراژترین و جدی ترین روزنامه های کشور به زبان روسی منتشر می‌شوند. اکثر روزنامه و نشریات منتشره در روسیه در آذربایجان به فروش می‌رسد و مشتریان زیادی در آذربایجان دارند. عدم کفایت نشریات در آذربایجان بوسیله کتب چاپ شده در روسیه جبران می‌گردد. در این میان به خصوص لازم به ذکر است که شمار زیادی از

* مقاله حاضر ترجمه ای از منبع زیر می باشد. لازم به تذکر است از آنجا که اکثر منابع این نوشته به زبان روسی بود از ذکر منابع و ماخذ خودداری شده است:

Sinan Ogan, Dis Politika Araci Olarak Rusca: Turk Cumhuriyetleri Ornegi, Turk Dunyasi Jeopolitigi: Muzaffer Ozdag' a Armagan, Umit Ozdag ve Digerleri (ed), Cilt, Ankara, 2003, S. 219-234.

روشنفکران و سیاسیون که در روسیه تحصیل کرده اند در نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باکو دارای نفوذ زیادی هستند. سه کانال از کانالهای روسیه (ORT، NTV و RTR) در آذربایجان پخش می شود. بخش فرهنگی کشور تا حدود زیادی به روسیه وابسته است. از آنجا که هزینه دوبلاژ فیلمها در روسیه به مراتب پایین تر از هزینه دوبلاژ آن به زبانهای بومی و محلی است در تلویزیون و سینماها به نمایش گذاشته می شود. ارتباطات اینترنتی از طریق روسیه صورت می گیرد و زبان اینترنتی رایج در آذربایجان روسی است. همانند دیگر جمهوریهای شوروی سابق در آذربایجان نیز زبان فناوری روسی است.

** دکترای اقتصاد سیاسی از دانشگاه اقتصاد آذربایجان و دکترای روابط بین الملل از دانشگاه مسکو و پژوهشگر ارشد مطالعات استراتژیک اوراسیا ترکیه (آسام).

0%



& وضعیت مسلمانان روسیه

خود برسد. مسلمانان از زمان مقابله با چنگیزخان تا زمان مبارزه با فاشیسم آلمانی بخش مهمی از ارتش روسیه را تشکیل می دادند. امروز نیز نیروهای مسلح این کشور شمار زیادی از مسلمانان را در استخدام دارند. نکته مهمی که در گزارش های خبرنگاران

آمار مسلمانان بومی روسیه یکی از و دولت روسیه محسوب می شود رئیس شورای مفتیان روسیه دولت مسلمانان کشور را هرچه کمتر نشان متفاوتی از تعداد مسلمانان در این دین اسلام و دین مسیحی روسی کشور خوانده و به رسمیت شناخته است. اما مفتیان مسلمان روسیه می گویند که به رسمیت شناخته شدن اسلام، به درج شدن در قانون اساسی این کشور محدود مانده است و در عمل مسلمانان بومی دارای حقوقی برابر با مسیحیان روسیه دانسته نمی شوند و محروم از آزادی هایی هستند که مسیحیان این کشور از آن برخوردارند.

مسلمانان بومی روسیه

مسلمانان روسیه که تعداد آنها حدود ۲۰ میلیون نفر است، از قوم های تاتار، باشقیر، چچن و اینگوش، داغستانی، آذری و ... هستند. این قوم ها از آغاز شکل گیری کشور بزرگ روسیه در خاک این کشور به سر می برده اند و مفتی راوی عین الدین معتقد است که بدون همپاری مسلمانان، روسیه نمی توانسته به مرزهای امروزی

بی بی سی منعکس شده است، افزایش تعداد مسلمانان روسیه است. بنا به پیشگویی جامعه شناسان روس، در سال ۲۰۲۰ از هر پنج شهروند روسیه یک نفر مسلمان خواهد بود. اما مفتیان مسلمان که افزایش تعداد پیروان این دین را انکار نمی کنند، می گویند که هرچند در روسیه تعداد مسیحیانی که تازه به دین اسلام درآمده اند به هزاران نفر رسیده است، در بررسی آماری باید این نکته را هم در نظر گرفت که روس های زیادی نیز پس از فروپاشی شوروی این کشور را ترک کرده اند و شمار آنها بیش از یک میلیون نفر است.

مسلمانان روسیه همچنان که خود آنها در صحبت هایشان با بی بی سی گفته اند، زندگی عاری از مشکل ندارند و مشکلات عمده آنها در جامعه مسیحی روسیه به مزاحمت پلیس و بازداشت زنان کاملاً محجبه نیز تمام نمی شود. درحالی که روزهای جمعه هر

چهار مسجد جامع موجود در شهر مسکو مملو از نمازگزاران است، آنها از ناسازگاری شرایط در این کشور شکایت بسیار دارند. به قول آنها به دست آوردن آزادی مذهبی در این کشور کار چندان آسانی نیست. آنها از کمبود مواد غذایی حلال در مغازه های شهر، نمازخانه در محل کار و محدودیت خرید لباسهای مناسب برای زنان مسلمان می گویند. در شهر مسکو که بیشترین جمعیت مسلمان این کشور در آن به سر می برد، تنها یک فروشگاه تازه تأسیس برای عرضه لباس های اسلامی زنان وجود دارد و چند مغازه ای نیز برای فروش محصولات حلال.

چنانکه زنان مسلمان مقیم روسیه گفته اند، در بسیاری موارد آنها با چپ نگری های مردم روس در کوچه و خیابان های مسکو رو به رو می شوند و اگر حجاب کاملاً پوشیده داشته باشند، از جانب پلیس به آسانی مورد سوء ظن و بازداشت و بازرسی بدنی قرار می گیرند. مفتی های روسیه که بیشتر آنها از اسلامی حرف می زنند که با یک جامعه غیر مسلمان سازگاری پیدا کرده است، در این گونه موارد به پلیس حق می دهند و دلیل آن را حملات زنانی می بندند که به نام دین و خدا خود را کوچه و خیابان ها منفجر نموده اند.

اسلام مدرن و یا اسلام اروپایی (یورو اسلام)

امروز در جامعه روسیه بحث ها بر سر اسلامی مدرن - یا چنانکه در روسیه گفته می شود یورواسلام - است، که اسلامی است تطبیق یافته با نظرات جدید و عرف یک جامعه غیر مسلمان. مفتی عین الدین، که خود طرفدار این گونه اسلام است، می گوید اسلام دین پیشرفته ای است و تمام عناصر مدرن را قبول دارد، به شرطی که بر دین و ایمان ما تأثیر منفی نداشته باشد.

مفتی همچنان از برابری مسلمانان با مسیحیان روسی می گوید و تأکید می کند مسلمانان به اندازه کافی در کشور خود، صرف نظر از آن که اسلامی و یا غیراسلامی باشد، از حقوق های یک انسان آزاد برخوردار باشد.

درعین حال یک عده از روحانیون مسیحی روس معتقدند که دین اسلام قابلیت کنار گذاشتن ایده دولت مذهبی را ندارد و همیشه در حال پیچیدن به پای دولت حاکم است. اسلام اروپایی از دید روحانیون مسیحی روس، اسلامی است که در چارچوب خانواده و

با رعایت شرط های اساسی آن موجودیت خود را ادامه می دهد و در جامعه برابر با دیگر ملیت ها و پیروان دیگر مذاهب به فعالیت خود می پردازد. امام مفتیان مسلمان که گاهی از این گونه اسلام طرفداری می کنند، نسبت به اصطلاح یورو - اسلام اعتراض دارند.

اقوام مسلمان در روسیه

مسلمانان مقیم روسیه بخش قابل توجهی از اهالی روسیه امروز را تشکیل می دهند. اما نظریات گوناگونی راجع به تعداد مسلمانان در این کشور وجود دارد. چندی پیش در نشست سازمان کنفرانس اسلامی، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه اعلام کرد که در این کشور حدود ۲۰ میلیون مسلمان به سر می برند. اما ولادیمیر زارین، وزیر فدراسیون روسیه در امور اقوام، گفته است که تعداد مسلمانان ثبت نام شده در این کشور به ۱۴ میلیون و پانصد هزار نفر می رسد. این درحالی است که در سال ۱۹۹۴ راوی عین الدین، قائم مقام رئیس اتحادیه مفتیان روسیه وجود ۱۹ میلیون مسلمان را تأیید کرده بود و حیدر جمال، جانشین رئیس کمیته مسلمانان، اعتقاد داشت که بیشتر از ۳۰ میلیون مسلمان در این کشور زندگی می کنند. با وجود این که قانون اساسی روسیه آزادی مذهبی در این کشور را تأیید کرده، باز هم ثبت نام های دولتی قابل اعتماد به نظر نمی رسند. زیرا تعداد ثبت نام شدگان از روی تعداد مردان و قوههایی است که با رعایت رسم و رسومهای اسلامی زندگی می کنند.

بحث دامنه داری بر سر مهاجران مسلمانی به وجود آمده است که از کشورهای سابق شوروی به روسیه آمده اند. برخی از جامعه شناسان معتقدند که این مهاجران موقت، که برای کار فصلی به این کشور آمده اند نه شناسنامه روسی دارند و نه دارای حق رأی در انتخابات این کشورند. و از این جاست که نباید آنها را به تعداد مسلمانان مقیم روسیه اضافه کرد. از جانب دیگر، «فایننشال تایمز» چاپ لندن در یکی از شماره های خود آورده است که حدود سه تا چهار میلیون نفر که اعتقاد به دین اسلام دارند و عرف و آداب اسلامی را رعایت می کنند، به خاک روسیه وارد شده اند. از این شمار دو میلیون آذری، یک میلیون قزاق و صدها هزار ازبک، تاجیک و قرقیز هستند.

غیر از اینها تعداد اسلاوهایی که دین اسلام را قبول می کنند، معلوم نیست. بعضی ها می گویند که صدها نفر و برخی تعداد آنها را هزاران نفر می دانند. همچنین مشاهده می شود که در روسیه سازمانهای اسلاوی مسلمان فعالیت خود را آغاز کرده اند. شیخ فرید اسدولین، از شورای مفتیان مسکو در مصاحبه خود با «فاینشال تایمز» گفته است که تعداد بسیاری از قوم های روس، بلاروس و اوکراین، به خصوص جوانان تحصیلکرده جواب سؤالات خود در دین اسلام پیدا می کنند. با وجود این تعداد آنانی که تازه دین اسلام را قبول کرده اند، روشن نیست و در هیچ جا ثبت نشده است. در حال حاضر، بیشترین تعداد مسلمانان در روسیه امروز همچنان در کناره های رود ولگا و قفقاز شمالی به سر می برند. اما برخی از کارشناسان افزایش شدید مسلمانان در پایتخت روسیه را یادآور می شوند. الکسی مالاشنکو، کارشناس مسائل اسلام در روسیه، به «فاینشال تایمز» گفته است که مشکل اساسی کشور در بحران جمعیت و کاهش تعداد روسها در روسیه است، نه در افزایش مسلمانان در این کشور. وی افزود که به این دلیل روسیه به یک کشور مسلمان تبدیل نمی شود، گرچه بعد از چند سالی ما شاهد تغییرات شگفت انگیزی خواهیم شد.» بیشتر مسلمانان روسیه سنی مذهب اند و شیعه ها در این کشور بسیار کم به نظر می رسند.

تاتارها

تاتارها از قدیمیترین قومهای مسلمان در روسیه به شمار می روند. سرشماری قومی که در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت، تعداد آنها را پنج میلیون و ۶۰۰ هزار تن، یعنی ۴ درصد اهالی کشور تعیین نمود. بیشترین تعداد تاتارها در پاولوئی، (کناره های رود ولگا)، به سر می برند، که حدود چهار میلیون نفر هستند. بیش از دو میلیون نفر در تاتارستان و حدود یک میلیون در باشقیرستان به سر می برند.

بیش از ۲۵۰ هزار نماینده این قوم در نواحی تیومین و بیش از ۱۶۰ هزار در مسکو زندگی می کنند. تاتارها اولین دولت خود را در اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ میلادی با نام بولگاریای کنار رود ولگا به وجود آوردند که در حدود مرزهای تاتارستان امروزی قرار گرفته است. در سال ۹۲۲ تمام قومهای بلغاری دین اسلام را قبول کردند.

بعد از قبول دین اسلام خط عربی جایگزین خط قدیم ترکی رایج در این کشور شد.

تا انقلاب اکتبر تاتارها به بزرگترین شهرهای روسیه مهاجرت می کنند و با خود عرف و عادت فرهنگی خود را می برند. در زمان شوروی دین آنها مانند همه دینهای دیگر زیر فشار و تعقیب دولتی قرار می گیرد و غیرفعال می گردد. در سالهای اخیر به گفته محققان خودآگاهی مذهبی تاتارها افزایش یافته و به عقیده آنها تاتارها بیشتر از دیگر قومهای مسلمان روسیه با سرعت رو به تکامل دین و مذهب خود می آورند.

باشقیرها

باشقیرها دومین قوم مسلمان در روسیه به شمار می روند، که جمعیتی بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر را تشکیل می دهند. در باقریه بیش از یک میلیون نفر به سر می برند و بیش از ۱۶۰ نفر در نواحی همسایه چلیابینسک ساکن هستند. در تاتارستان حدود ۱۵ هزار نفر و در پایتخت روسیه بیش از شش هزار نفر ثبت نام شده اند. در یکی از منابع تاریخی بلخی از قرن ۱۰ میلادی از باشقردیها به عنوان یک ملت سخن به میان آمده و آنها را به دو گروه تقسیم می کند: گروهی که در جنوب رود اورال به سر می برند و گروهی که در کناره رود دون در نزدیک سرحد ویزانتیه ساکن هستند.

اسلام در قرن دهم به میان قوم باشقیر وارد می شود و در عصر چهارهم به دین حاکم تبدیل می گردد. در سال ۱۲۱۹ - ۱۲۲۰ سرزمین های باشقردنشین به تصرف چنگیزخان در می آید و در میانه های قرن شانزدهم باشقردیها براساس قرارداد به تابعیت امپراتوری روس و پادشاهی ایوان مخوف درمی آیند.

مسلمانان قفقاز

مسلمانان بیشتر در شمال قفقاز به سر می برند، که به گفته برخی از کارشناسان، برای آنها رسم و عادت کوهستانی خود بیشتر قدر و قیمت داشته و همچنان هم باقی مانده است. در قسمتهای گوناگون قفقاز شمالی دین اسلام با روشهای مختلف گسترش یافته است و در شرق بیشتر و در غرب آن کمتر است. در شرق قفقاز بیشتر

رعایت طریقت های صوفیه، مانند نقشبندیه و قادریه تأثیرگذار بوده و هست.

اما در غرب آن این طریقتها شناخته نیست. به عقیده کارشناسان در قفقاز شمالی تا حال جریان شدید اسلامگرایی وجود دارد، که باعث بحران مداوم در این منطقه گردیده است. این از آن بحرانهایی است که مسکو را با معمای بزرگی روبرو کرده است. به گفته کارشناسان این اسلامگرایی در میان مردم درک کهنه ای از اسلام و سیاستی را ترویج می کند، که در دوران قبل از مدرنیسم شکل گرفته است.

چچن و اینگوشها

چچنها از سنتی ترین قومهای مسلمان در روسیه شناخته شده اند. سرشماری سال ۲۰۰۲ تعداد آنها را یک میلیون و چهارصد هزار نفر نشان داده است که معادل یک درصد اهالی کشور است. براساس این سرشماری بیش از یک میلیون نفر مسلمان در دحل چچن و ۹۵ هزار در اینگوش و ۹۰ هزار نفر در داغستان زندگی می کنند. تعداد اینگوشهای مسلمانی که در روسیه به سر می برند بیش از ۴۰۰ هزار نفر است. چنانکه آنا زیلکینا، محقق مسایل منطقه در دانشگاه لندن، تأیید می کند، جریان مسلمان شدن مردم چچن و اینگوش طولانی تر از دیگر قومهای قفقاز شمالی بوده است. وی می گوید که جریان به دین اسلام درآمدن چچن و اینگوش در میانه های قرن شانزدهم از طریق مبلغان مذهبی شروع شد. اما از قرن ۱۸، یعنی بعد از یک صد سال چچنی ها از نظر تاریخی با دین اسلام به طرز ناگسستنی پیوند برقرار کردند. اینگوشها از طریق چچن ها و داغستانی ها با دین اسلام آشنا شدند و در قرن ۱۹ این دین را به طور کامل قبول کردند.

داغستانیها

اهالی داغستان که تقریباً ۸۱۵ هزار آوار، بیش از ۵۱۰ هزار درگینی، بیش از ۴۲۰ قومیق ها، بیش از ۴۱۱ هزار لزیگین ها، ۱۵۶ هزار لکزی ها و ۱۳۰ هزار تبسران را تشکیل می دهد، از مسلمانان قفقاز شمالی محسوب می شوند. اولین نشانه های اسلام در این منطقه در قرن ۷ میلادی در زمان زد و خوردهای خانگیری خزر با عربها شروع می شود. تا قرن ۱۵ تبلیغاتگران مذهبی عرب بیشتر این مردم

را به دین اسلام درآوردند. گسترش دین اسلام در داغستان بیشتر از طریق جنگاوران تاتار - مغول و شاهان ایرانی انجام یافت.

در قرن ۱۹ زمان هجوم روسها به قفقاز مسلمانان این منطقه به هم پیوستند و دولت پر قدرتی را به رهبری شیخ شامل به وجود آوردند، تا در مقابل روسها بجنگند. این دولت بخشی از مرزهای امروزی داغستان و چچن را در بر می گرفت.

آذربایجانها

بیش از ۶۲۰ هزار آذربایجانی مسلمان در خاک روسیه کنونی به سر می برند. در شهرهای مرکزی بیش از ۱۶۰ هزار، در کناره های رود ولگا بیش از ۸۵ هزار و در اورال بیش از ۶۶ هزار آذربایجانی سرشماری شده اند. بیشتر اینها مسلمانان شیعه مذهب هستند. افزایش تعداد این قوم در روسیه بعد از بحرانهای اقتصادی در داخل کشور آذربایجان صورت گرفت. آذربایجانیهای روسیه روابط ناگسستنی با قوم و خویشهای خود دارند و از لحاظ مالی به آنها مرتب کمک می رسانند. روابط خانوادگی در بین آذربایجانیها خیلی قوی تر از دیگر مسلمانان شمال قفقاز است.

جامعه شناسان از افت شمار مهاجران آذربایجانی در چندسال اخیر به خاک روسیه گزارش داده اند و تأکید کرده اند که آنها که به روسیه می آیند به دنبال خویشاوندانی می آیند که سالها قبل مهاجرت کرده اند.

تحقیقات جامعه شناسی روشن کرده است که داغستانیها و آذربایجانیها مردمی اند که هیچ وقت با روسها نمی آمیزند و در دایرة همزیانان و همکیشان خود زندگی می کنند.

& آغاز فعالیت مجلس اجتماعی در روسیه*

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، فهرست اسامی ۴۲ نفر اول عضو این مجلس را که به عقیده ای، طبق شهرت و خدمات خود در برابر جامعه، باید ضامنی برای بازگرداندن قضاوت مستقلانه باشند، معرفی کرد. در بین آنها رجال و دانشمندان شهره ای مانند

«لئو بوکریا» و «یوگنی ولیخوف»، قهرمان المپیک در رشته پاتیناز «ایرینا رودنیا»، دبیر شورای هماهنگی اتحادیه بازرگانان روسیه «الکساندر شوخین»، دبیر اتحادیه امور تئاتر روسیه «الکساندر کالیاگین»، نمایندگان مذاهب اصلی روسیه، کارشناسان امور سیاسی، خبرنگاران، معلمان و پزشکان به چشم می خورند.

یک سوم این مجلس توسط رئیس جمهور انتخاب می شوند. در مرحله بعدی، این ۴۲ نفر باید در مدت زمان یک ماه، ۴۲ نفر دوم را از بین رجال و سرشناسان جامعه روسیه انتخاب کنند (هر نفر باید یک نماینده معرفی کند). در قسمت سوم و در حقیقت آخر، این ۸۴ نفر باید ۴۲ نماینده دیگر را، از اتحادیه های مناطق و بین منطقه ای انتخاب کنند. طبق قانون، «تکمیل» این مجلس باید تا قبل از ژانویه سال آینده صورت گیرد.

بدین ترتیب، نمایندگانی را که رئیس جمهور انتخاب کرده است، در اصل نقشی کلیدی دارند، چرا که کیفیت ترکیب مجموع «مجلس اجتماعی» به آنها بستگی دارد، و در حقیقت، پایه های

در ۲ دی ماه، مجلس اجتماعی روسیه به طور کامل شکل گرفت. به گزارش «نووستی» ۸۴ عضو مجلس اجتماعی، بخش سوم و آخر نمایندگان، یعنی ۴۲ نفر دیگر را از سازمان های اجتماعی منطقه ای و بین منطقه ای انتخاب نمودند. اعضای این مجلس را افرادی مطرح و مشهور روسیه در زمینه های علمی، فنی، هنری، اجتماعی و ... تشکیل می دهند. اولین جلسه عمومی مجلس با ۱۲۶ نماینده خود، در ژانویه سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار شد. نمایندگان فعلی این مجلس تا ۲ سال پس از برگزاری اولین جلسه عمومی به کار خواهند پرداخت. ۴۲ عضو اول این مجلس در سپتامبر سال جاری از سوی «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه انتخاب شدند. در ماه نوامبر این اعضا، ۴۲ نفر بعدی را از میان سازمان های اجتماعی سراسری روسیه برگزیدند.

از وظایف این مجلس، انجام تحقیقاتی در رابطه با پروژه های قوانین فدرال و پروژه های قوانین بخش های زیر مجموعه روسیه (جمهوری ها، فدرال ها، مناطق و استان ها)، نظارت عمومی بر فعالیت های دولت، ارگان های فدرال قوه مجریه در سرتاسر روسیه و نیز کنترل رعایت آزادی بیان در مطبوعات و رسانه ها نیز تدارک و آماده سازی توضیحاتی در رابطه با مسائل یاد شده و سایر مسائل می باشد.

اول، باعث جلب اعتماد مردم می شوند. به همین دلیل بحث پیرامون فهرست انتخابی رئیس جمهور تا به امروز ادامه دارد. سؤال اصلی این است که: «شهرت از چه لحاظی؟». از ماه اوت، رئیس جمهور از مجمع های اجتماعی درخواست کرد که در مراحل تشکیل «مجلس اجتماعی» فعالانه شرکت کنند. رئیس جمهور خاطر نشان کرد: «دستیابی به هدف مجلس اجتماعی به نحوه عملکرد آن بستگی دارد.» باید کاری کرد که ملت شریک حذف با دولت باشد. اما به هر حال هنوز هم تا انتها معلوم نشده است که تحت چه ضوابطی این انتخاب انجام شد. مسئولین کرملین اشاره به یک سری «ارزش های اجتماعی» نامعلوم می کنند. بدون شک در این لیست، اسامی مشهور و قابل احترامی چون دکتر «روشال» به چشم می خورد، ولی افراد کاملاً ناشناس برای جامعه نیز، در بین آنها وجود دارند و مشخص نیست که چگونه این افراد می توانند در بالا بردن ارزش اولیه «مجلس اجتماعی» نقش داشته باشند. یا اینکه شخصی مانند «آلینا کایایوا»، عضو خط خورده ژیمناستیک هنری روسیه، با توجه به این که فقط ۲۲ سال دارد، چندان تجربه ای ندارد که بتواند برای قوانین و یا حکم های دولتی، ارزش واقعی تعیین کند. در واقع جای بحث وجود دارد. و این بحث ها تا زمانی که «مجلس اجتماعی» کار اصلی خود را شروع نکند ادامه خواهد داشت: یعنی مؤسسه کارشناسی دولتی، که مسئولین نمی توانند جایگاه آن را نادیده بگیرند.

اعضای این مجلس اختیارات مهمی را بین خود تقسیم می کنند. آنها حق دارند که هرگونه اطلاعاتی، از ادارات دولتی دریافت کنند، مختار هستند که در امور ساختارهای دولتی شرکت کنند و نسبت به لایحه های ارجاعی به مجلس نظر دهند. اگرچه نتیجه بررسی های آنها جنبه توصیه ای دارد و مانند نظر و یا پیشنهاد و یا درخواست مطرح می شود، لیکن رأی این مجلس همانند آزریر خطر می باشد، مانند رأی جامعه و درخواست آن از حکومت. به همین دلیل به سختی می توان آن را نادیده گرفت. نشست های عمومی «مجلس اجتماعی» از لحاظ تعداد زیاد نخواهد بود، تنها چند بار در طول سال. فقط کمیسیون و اداره ای که با کل خدمه در حدود ۱۰۰ نفر است، به طور دائم مشغول به کار می باشد. به عبارت دیگر، اعضاء این جایگاه والای اجتماعی، می توانند امور مربوطه را به

صورت اختیاری انجام دهند. چرا که دستمزدی، جز در مواردی مأموریتی، بابت این کار به آنها پرداخت نخواهد شد. آیا چنین تیم ناهماهنگ و ناهمگونی می تواند نقش کنترل کننده بر امور سازمان های دولتی را ایفا کند؟

اولاً، کنترل کردن در سیستم حکومتی به شرطی میسر است که کاملاً بدان واقف بود. تعداد این افراد در فهرست معرفی شده، بسیار کم است. البته آنطور که نمایندگان مجلس دوما به مفسر خبرگزاری «نوستی» اعلام کردند، هم اکنون تمامی احزاب به دنبال افراد سرشناس مناطق می باشند، که به آنها لقب «وجدان» شهر، روستا و یا منطقه داده می شود. ثانیاً، اگر هم «کارشناسی» هم در مرحله «تکمیلی» از نمایندگان سازمان های اجتماعی انتخاب شوند، غلبه بر بروکراسی بسیار سخت است. آنچه را که روند خصوصی سازی در دهه ۹۰ و زندگی تحت فوئینینی که، جز در مواردی ناچیز، به نفع مسئولین می باشند، به این حریف قدر، تمام شانس ها را داده است. و در انتها، همانطور که «الکساندر کونوالوف»، کارشناس امور سیاسی، خاطر نشان کرد: «از دیرباز، به طور سنتی، در روسیه کنترل اجتماعی بر عملکرد ادارات و سازمان های دولتی و حکومتی هیچگاه وجود نداشته است. و خود حکومت همیشه در مقابل این گونه کنترل ها، مقاومت از خود نشان داده است.»

در وظایف «مجلس اجتماعی» جمع آوری و کلیت دادن به پیشنهادات عمومی، و در نهایت انتقال آنان برای بررسی به رئیس جمهور گنجانده شده است. آنها باید مسائلی باشند که به طور مستقیم به زندگی مردم ارتباط دارند، چرا که چیزی مهمتر از زندگی ملت وجود ندارد؛ و اگر بعد از شش ماه، یکسال مردم ببینند که، به عنوان مثال در موارد مربوط به خدمات شهری، بر اثر فعالیت های این مجلس، چگونه عرصه بر برخی از مسئولین تنگ می شود، آنوقت است که آن را به عنوان یک مقام عالی مردمی باور خواهند کرد. این در حقیقت وسیله ای واقعی برای تحقق دموکراسی و احیای حقوق شهروندان خواهد بود.

در ۱۶ آذر ماه، «سرگی آباکوموف» دبیر اداره سراسری سازمان های اجتماعی روسیه و عضو مجلس اجتماعی روسیه اعلام نمود که مجلس اجتماعی ساختاری را برای مبارزه با فساد در ارگان های

دولتی تشکیل خواهد داد. وی ضمن ارائه توضیحاتی پیرامون خبر منتشر شده در روز گذشته درباره تهیه اسناد و اجازه نامه هایی جعلی برای ورود به کرملین توسط بانوی ۲۰ نفره که در میان آنها کارمندان ارگان های نیروی انتظامی نیز دیده می شدند، اظهار نمود: «با توجه به وجود فساد و رشوه خواری در کشور، باید نیروهای امنیتی را نه تنها در ارگان های انتظامی و بلکه در مجلس، شورای فدراسیون و دولت نیز ایجاد کرد».

۲ دی ماه، مجلس اجتماعی روسیه به طور کامل شکل گرفت. به گزارش «نووستی» ۸۴ عضو مجلس اجتماعی، بخش سوم و آخر نمایندگان، یعنی ۴۲ نفر دیگر را از سازمان های اجتماعی منطقه ای و بین منطقه ای انتخاب نمودند. اعضای این مجلس را افراد مطرح و مشهور روسیه در زمینه های علمی، هنری، اجتماعی و ... تشکیل می دهند. اولین جلسه عمومی عمومی مجلس با ۱۲۶ نماینده خود، در ژانویه سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار شد. نمایندگان فعلی این مجلس تا ۲ سال پس از برگزاری اولین جلسه عمومی به کار خواهند پرداخت. ۴۲ عضو اول این مجلس در سپتامبر سال جاری از سوی «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه انتخاب شدند. در ماه نوامبر این اعضا، ۴۲ نفر بعدی را از میان سازمان های اجتماعی سراسری روسیه برگزیدند.

از وظایف این مجلس انجام تحقیقاتی در رابطه با پروژه های قوانین فدرال و پروژه های قوانین بخش های زیر مجموعه روسیه (جمهوری ها، فدرال ها، مناطق و استان ها)، نظارت عمومی بر فعالیت های دولت، ارگان های فدرال قوه مجریه در سرتاسر روسیه و نیز کنترل رعایت آزادی بیان در مطبوعات و رسانه ها و نیز تدارک و آماده سازی توصیه هایی در رابطه با مسائل یاد شده و سایر مسائل می باشد.

مجلس اجتماعی، به عنوان تنها سازمان اجتماعی کشور که، حقوق و وظایف آن در قانون فدرال ویژه به این منظور ثبت شده است، در اول بهمن ماه آغاز به کار کرد. این مجلس نقش واسطه مرکزی بین ملت و دولت را ایفا می کند. در سالیان گذشته، زمانی که ساختمان دموکراسی جوان روسی بنا می شد، احزاب سیاسی و مجلس، رهبران سیاسی مشهور و رسانه های گروهی که برای خود نام

«حکومت چهارم» را انتخاب کرده بودند، تلاش می کردند که این نقش را بر عهده بگیرند.

از نظر مقامات روسی هیچ کدام آنها نتوانستند که کاملاً جایگاه واسطه میان حکومت و مردم را تصاحب کنند. احزاب سیاسی که از منظر مبارزه برای تصاحب حکومت پیروی می کنند، دیالوگ خود را فقط با طرفداران خود انجام می دادند و دیگران را یا در نظر نمی آوردند و یا برخی از اوقات قصد ترساندن آنها را دارند. چهره های سیاسی محبوب برای خودی ها، هیچ گاه اکثریت جامعه را به طرف خود جلب نکردند برعکس، هم زمان باعث حساسیت در دید کسانی می شدند که گول فریبندگی آنها را نمی خورند. از این نگاه، رسانه های گروهی هم که ممکن بود که بیش از دیگران بتوانند این نقش را ایفا کنند، اغلب ضعیف و عاری از حق در برابر حکومت بوده و یا چنان وابسته به صاحبان خود بودند که مسئولین مملکتی آنها را جدی تلقی نمی کردند.

مجلس هم مخصوصاً در این اواخر، کاملاً منحصر به سیاست عالی دولت و قوانین آن بود. در این جا به راحتی می توان حمایت دولتی، منافع کمپانی های عظیم و تجارت های بزرگ که تأمین توسعه روسیه به دست آنهاست را حس کرد. البته اجتماع، دولت نیست و منافع آن محدود به منافع تجارت های بزرگ نمی شود. مجلس اجتماعی چنان درست شده است که از هر کدام از آن واسطه های میان حکومت و مردم، قسمت های به اصطلاح مثبتی برداشته شده و کمبودهای آن کنار گذاشته شده است. ضمناً قبل از هر چیزی، به چهره های شناخته شده در زمینه های علوم، فرهنگی، تجاری، مذهبی و غیره اولویت داده شده است. به نوعی شبیه به حزبیت و مجلس است، اما «حزب» و «فراکسیون» با هم نقاط نداشته و بین خود به رقابت برنخواهند خواست و باعث تکمیل همدیگر می شوند. بالاخره مجلس اجتماعی برخلاف مطبوعات، آزادی اظهار نظر را دارد. رهبران آن دارای مجوز بیان نقطه نظرات عمومی نه تنها در رابطه با فرهنگ که شایعات بعد از حل مسائل به گوش می رسد، بلکه مهمتر از تمام مقدمات عالم، اجازه اظهار نظر در فرایند تصویب تصمیمات حکومتی را دارند که باید کاملاً، به طور شفاف و قابل فهم، تحت کنترل آنها درآید. این عمل در ابتدا باید برای مجلس اجتماعی، و در نمونه ایده آل آن، برای کل جامعه

که این مجلس وظیفه نمایندگی آن را به عهده گرفته است، اجرا شود.

«ولادیمیر پوتین» در اولین حضور خود در افتتاح این مجلس، وظیفه اصلی که، فقط از عهده قهرمانان بر می آید، را پیش پای نمایندگان آن گذاشت: «در عمل باید سعی شود که تأثیر مردم و جوامع مدنی بر حکومت افزایش یابد». برای این که اغلب دیده می شود که جامعه نمی تواند بر حکومت تأثیر داشته باشد به خاطر این که، نمی داند از کدام طرف باید به حکومت نزدیک شود. به عنوان مثال طبق قانون، مجلس اجتماعی باید لوایح قانونی را مورد تحقیق قرار دهد. اما فقط در مجلس دوما هر فصل بیش از ۵۰۰ لایحه قانونی در موضوعات مختلف تصویب می شود. به غیر از

این سازمان های قانونگذاری در مناطق خودگردان فدراسیون روسیه وجود دارد که به اندازه کافی لایحه برای تصویب در دست دارند. در ضمن این واقعیت را باید در نظر گرفت که، وزارت خانه ها و ادارات آنها فقط در مرکز قرار ندارند.

روشن است که مجلس اجتماعی باید برای خود اولویت هایی را برنامه ریزی کند چرا که نمی توان نظر جامعه را یک دفعه به همه چیز که در کشور رخ می دهد، معطوف کرد. در ضمن مسلط شدن به این حجم بالای اطلاعاتی کار بسیار دشواری است. در اینجا کمک همان جامعه مدنی نیاز است که تشکیل آن باید توسط مجلس اجتماعی انجام شود. و این مرحله به نظر مهمترین قسمت می باشد، یعنی از همان ابتدا مکانیزم همکاری متقابل جامعه و حکومت برقرار شود. باید از مسکو گرفته تا نواحی دوردست به آن اولویت داد، باعث شناختن آن شد و به عنوان سنت درآورد، چرا که، در روسیه این فقط جامعه نیست که شناخت خوبی از حکومت ندارد. حکومت هم کاملاً به طور سطحی با جامعه خود آشناست. در کشور طبق آمار، ۵۰۰ - ۶۰۰ هزار سازمان موجود است. اما چندتای آنها را ما می شناسیم؟ این سازمان ها به چه کاری مشغولند؟ به عنوان مثال برخی از مسئولین مطمئن هستند که، حداقل نیمی از این سازمان ها برای این منظور ایجاد شده اند که با استفاده از قوانین مخصوص این سازمان ها، تجارت کننده و مالیات نپردازند. و رد این نظر بسیار دشوار است. ما به اندازه کافی، اطلاعاتی در خصوص جامعه مدنی و سازمان های آن را در اختیار نداریم.

مجلس اجتماعی اگر بتواند محکم بر روی پاهای خود بایستد، باید فاصله را از بین ببرد. به عبارت واضح تر باید از پایه، حکومت و جامعه را به هم بشناساند و بیاموزد، تأمین کننده گفتگوی دائمی بین آنها باشد، به عنوان مثال اعضای مجلس اجتماعی خواستار لیبرال ساختن قانون در مورد سازمان های غیردولتی شدند که چندی پیش به اجرا گذاشته شده است. و این یک نمایش بزرگ از جانب مجلس اجتماعی تلقی می شود. تصحیحات جدید در قانون به نوبت گذاشته شده اند. جامعه و حکومت با علاقه مشتاق دیدن پیامد و سرانجام اولین نشست شورای مجلس اجتماعی هستند که در روز ۱۰ بهمن ۸۴ برگزار شد.

شرکت کنندگان این نشست مسائل مربوط به تشکیل کمیسیون ها و گروه های کاری، ترکیب آنها، برنامه های کاری این کمیسیون ها و دیگر مسائل را مورد بررسی قرار دادند. شورای مجلس اجتماعی روز ۲ بهمن ماه در اولین نشست این مجلس در سالن «گئورگی» کاخ کرملین تشکیل شد. در ترکیب این شورا آکادمیک «یوگنی ولیخوف» رئیس مجلس اجتماعی، «سرگی کاتیرین» معاون رئیس مجلس اجتماعی و معاون رئیس اتاق بازرگانی و صنایع روسیه و همچنین نمایندگان ۱۷ کمیسیون مجلس اجتماعی حضور داشتند.

* این گزارش به وسیله بخش پژوهش مؤسسه تهیه شده است.

& تأسیس جامعه انتخاب دموکراتیک: تأیید بوش و سکوت اتحادیه اروپا

ترجمه و تنظیم: پرویز خوبی

اینگونه بنظر میرسد که با تشکیل ائتلاف جدید دموکراسی، عامل دیگری برسوء تفاهم های موجود بین آمریکا و اتحادیه اروپا افزوده خواهد شد. این امر بیانگر آن است که کشورهای دموکرات

حلقه پیرامونی روسیه در مرحله اول می توانند به حمایت های واشنگتن برای ورود به ناتو امیدوارباشند. ولی اوکراین برای ورود به اتحادیه اروپا که آرزوی قلبی آن کشور می باشد بایستی همچنان در انتظار باقی بماند.

تلاش واشنگتن برای بدست آوردن میدان جدید استراتژیکی در جمهوریهای مستقل مشترک المنافع سازمان جدید التأسیس در برنامه کاری خود اهداف و برنامه های متنابهی را پیش بینی و ترسیم نموده است. در برنامه افتتاحیه برگزار شده در کی یف بارها و به کرات بر پایدی به پیمانها و قراردادهای بین المللی، اصول و موازین عمومی و پذیرفته شده سازمان ملل متحد و ارزشهای عموم بشری تأکید گردید. چنانکه ویکتور یوشنکو در این خصوص اظهار داشت: «جامعه انتخاب دموکراتیک فعالیتهای خود را بر اساس اصول و موازین عمومی و پذیرفته شده سازمان ملل و ائتلاف دموکراتیک انجام خواهد داد. هدف ما از این اقدام، تقابل و

در اوایل ماه دسامبر، سازمان جدید بین المللی تحت عنوان جامعه انتخاب دموکراتیک که ۹ کشور اوکراین، مولداوی، لیتوانی، لتونی، استونی، رومانی، مقدونیه، اسلوانی و گرجستان اعضای آن را تشکیل می دهند در کی یف تأسیس شد. ویکتور یوشنکو رئیس جمهور اوکراین و میخائیل ساآکاشویلی رئیس جمهور گرجستان که بانیان اصلی این سازمان می باشند از بهار سال جاری قول داده بودند که جامعه انتخاب دموکراتیک در آینده نزدیک به محور دموکراسی بالتیک - دریای سیاه - خزر تبدیل خواهد شد. هر چند شرکت کنندگان در نشست کی یف مؤکداً اعلام نموده اند که تأسیس این جامعه (ائتلاف)، به منزله تقابل با هیچ کشور ثالثی به ویژه روسیه به شمار نمی رود، ولی ناگفته پیداست که هدف اصلی این طرح جدید آمریکایی، ایجاد و شکل گیری یک منطقه نفوذ جدید برای واشنگتن بویژه در اطراف روسیه می باشد. از همین دید و زاویه حضور پاول دوبریانسکی معاون وزیر امور خارجه آمریکا بعنوان میهمان اصلی و ویژه در نشست کی یف معنادار بنظر می رسد. نمایندگانی از ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز در این نشست حضور داشتند. رئیس اتحادیه اروپا که در زمان برگزاری نشست بطور کاملاً غیر تصادفی در کی یف حضور داشت دعوت برگزار کنندگان نشست را برای شرکت در آن قاطعانه رد کرد.

موضعگیری در قبال هیچ کشور ثالث، نهاد و سازمانی نبوده بلکه این ائتلاف بعنوان دیالوگ و گفتگوی آزاد بین طرفداران ایده دموکراسی و ارتقای حقوق می باشد». ارائه کمک و مساعدتهای لازم و همه جانبه در راه کسب این اهداف و اصول در سطح دولتی و غیردولتی هم نکته ای است که در لابلای سخنان یوشنکو می توان آن را مشاهده و حس نمود. به غیر از قولها و وعده و وعیدهای داده شده، آنچه در ورای همه این گفته ها و اظهارات پنهان مانده، تبادل تجربیات در زمینه انقلابهای رنگی می باشد که همچنان بصورت معما و در هاله ای از ابهام باقی مانده است. پاول دوبریانسکی طی سخنانی ضمن ابلاغ سلام های جورج بوش به شرکت کنندگان در نشست به نقل از وی از اینکه نتوانسته است شخصاً در نشست کی یف حضور داشته باشد ابراز تأسف نمود و خطاب به آنها گفت «ما از مساعی و تلاش های شما در راه تقویت اروپای آزاد و دموکراتیک حمایت و پشتیبانی می نمایم. ما - حامیان شما - آینده بهتری را برای شما در سایه این تلاشها آرزو می نمایم».

نیکلای باردیوژا دبیر کل سازمان پیمان امنیت دسته جمعی نیز در این خصوص می گوید موضوع تنها به احتمال توسعه و گسترش دامنه نفوذ آمریکا به مرزهای روسیه محدود نمی شود. در شرایط و وضعیت ایجاد شده کنونی، اوکراین و گرجستان این شانس را دارند که با شرایط آسان تری بعنوان اعضای جدید به عضویت ناتو در آیند و این می تواند تا سال ۲۰۰۸ به وقوع بپیوندد. به گفته باردیوژا، اوکراین لقمه به مراتب پرچرب و لذیذی برای ناتو در مقایسه با گرجستان می باشد:

«امروز یکی از مسائل مهم برای این بلوک، بدست آوردن سر پل و میدان جدید استراتژیکی به منظور نفوذ و تاثیر در وضعیت ژئوپولیتیکی در جهان می باشد.»

اوکراین چه هدفی را در پیوستن به ناتو دنبال می نماید؟ دولت اوکراین در ماههای اخیر تلاشها و فعالیتهای زیادی را در راستای پیوستن به ناتو انجام داده است. جالب است که مخالفان دولت نیز اخیراً پیشنهادهای را برای برگزاری همه پرسی عمومی بویژه در ارتباط با موضوع عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا و نیز اتحادیه واحد اقتصادی به کمیته مرکزی انتخابات ارائه

نموده اند. مخالفان یوشنکو بر این عقیده اند که مردم اوکراین مخالف طرح همگرایی یوروآتلانتیکی بوده و از ساختارهای بین المللی که در آن روسیه نیز حضور داشته باشد حمایت و پشتیبانی می نمایند. بر اساس دیدگاههای آنها، همه پرسی می تواند نقطه پایانی باشد بر طرحهای همگرایی یوشنکو. ولی واقعیت این است که جناح حاکم نیز دست روی دست نگذاشته و برای گفتگو با مردم و توجیه آنها در این خصوص شروع به زمینه چینی نموده است. یوشنکو رئیس جمهور اوکراین به دولت دستور داده است در اسرع وقت طرحی مشخص و عملی را بمنظور آماده سازی مقدمات و انجام تبلیغات در خصوص ورود آن کشور به ناتو تهیه و ارائه نماید. گذشته از آن پیشنهاد همه پرسی بخاطر مسائل و مشکلات در برگزاری و اجرای آن ممکن است مورد قبول قرار نگیرد. طبق قانون اساسی اوکراین، هر یک از گروهها و جناحهای سیاسی پیشنهاد دهنده، بایستی برای ارائه طرح خود سه میلیون امضا در حمایت از طرح جمع آوری نمایند و امضاهای جمع آوری شده نیز بایستی ترکیبی (مشمول بر) از حداقل دوسوم مناطق کشور - از لحاظ پراکندگی - بوده و برگه های امضا تا اوایل بهار به کمیته مرکزی انتخابات تسلیم گردد. به اعتقاد لئونید کوچما رئیس جمهور سابق اوکراین که زمانی عضویت اوکراین در ناتو را هدف استراتژیک کشورش اعلام نموده بود و در اواخر دوران ریاست جمهوری خود بطور عمد آن را از تمامی برنامه ها و اسناد دولتی خارج نمود، دولت جدید احتمال می رود دستاوردها و موفقیتهایی را در راستای اجرای این طرح بدست آورد. کوچما در عین حال فعالیتهای تبلیغاتی یوشنکو در این زمینه را نوعی بهره برداری و سوء استفاده تبلیغاتی قلمداد می نماید. وی در مصاحبه اخیر خود با هفته نامه اوکراینی ۲۰۰۰ این سؤال اساسی را مطرح نمود که آیا شتاب و عجله در آماده سازی مقدمات و تمهیدات لازم جهت پیوستن به اتحادیه (بلوک) نظامی بین المللی بدین معناست که تهدید و خطری متوجه اوکراین می باشد؟ مرزهای غربی اوکراین با کشورهای عضو ناتو هم مرز شده اند چنانچه اوکراین به عضویت ناتو در آید از لحاظ نظری و تئوریک موضوع تهدید از سوی غرب بخودی خود منتفی خواهد شد. در صورتی که چنین اتفاقی بیفتد این تصور وجود خواهد داشت که روسیه، اوکراین را

تهدید می نماید؟ آیا یکی از تضمینهای امنیتی برای اوکراین، قرار گرفتن در کنار بلوک قدرتهای اتمی، فرانسه و چین می باشد. من چنین نظر و دیدگاهی ندارم.

پیش به سوی روسیه

در ایام برگزاری نشست جامعه انتخاب دموکراتیک، مباحثه ای علمی با شرکت زیگنیو برژینسکی سیاستمدار برجسته و معروف آمریکا برگزار گردید. وی در این مباحثه صراحتاً خواسته های آمریکا را از یوشنکو به زبان آورد: «اگر شما حرکت بسوی اروپا همراه با روسیه را انتخاب می نمایید آن وقت نه روسیه و نه اوکراین شانس برای ورود به اتحادیه اروپا نخواهند داشت.» به گفته برژینسکی، اوکراین در حال حاضر بعنوان مأمّن و پناهگاهی برای روشنفکران و روزنامه نگاران روسی در آمده است و اینگونه نتیجه گیری نمود که: اوکراین می تواند بسوی جلو گام بردارد ولی نه بر علیه روسیه بلکه بسوی روسیه.»

برژینسکی همچنین در مصاحبه ای با هفته نامه معروف اوکراین «آینه هفته» که در آستانه دیدارش از کیبی یف صورت گرفت از جمله موضوع روسیه و آینده آن را مورد اشاره قرار داد. او با تشریح مسائل مطرح شده در نشست جامعه انتخاب دموکراتیک گفت: «ایده پیشبرد دموکراسی ایده ای ضد روسی نمی باشد. در روسیه انسانهای زیادی وجود دارند که می خواهند کشور خود را کشوری دموکراتیک ببینند.» بر طبق اظهارات این سیاستمدار آمریکایی، سازمان و تشکیلات تازه تأسیس و جدید باید حد و مرزی بین سیاست و مواضع ضدروسی و حرکت در مسیر دموکراسی تعریف و مشخص نماید. «این بویژه از آن جهت بسیار حائز اهمیت می باشد که ما در خصوص اروپای گسترش یافته ای صحبت می نمایم که هم اوکراین دموکراتیک و هم روسیه استراتژیک را شامل در بر می گیرد.» این اظهارات را می توان در راستای انتظار واشنگتن از وقوع انقلاب رنگی در روسیه مورد ارزیابی قرار داد.

برژینسکی با اشاره به واقعتهای امروز و مسائل و مشکلات اوکراین در زمینه انرژی که از ناحیه روسیه متوجه آن کشور می باشد گفت: «روسیه حق دیکته کردن به اوکراین را ندارد در حالیکه مسیروصدور نفت و گاز آن کشور تا حدود زیادی از خاک اوکراین صورت می گیرد لذا چنانچه روسیه همچنان در جهت شانتاژ اوکراین گام

بردارد در حقیقت آن کشور بنوعی اروپا را شانتاژ می نماید و بنده تصور می کنم که این در راستای منافع روسیه نخواهد بود.»

بروکسل سکوت اختیار نمود

مذاکرات صورت گرفته در آغاز ماه دسامبر نشان داد که اروپاییها نیز خواستار گفتگوی انتقادی با روسیه که در راستای منافع آمریکا می باشد نیستند. درست به همین خاطر اتحادیه اروپا سیاست سکوت را در قبال تأسیس جامعه انتخاب دموکراتیک در پیش گرفته است. همچنین معلوم گردید که موفقیتهای کی یف در راه همگرایی با اروپا همه صرفاً در قالب گفتار و سخنرانیهای شفاهی می باشد. آغاز مذاکرات برای تسهیل رژیم ویزا و اعطای اقتصاد بازار به اقتصاد اوکراین از سوی اروپا گامهای اساسی و واقعی اتحادیه اروپا در ارتباط با اروپا می باشند. روسیه عملاً چند سال پیش موانع و مشکلات موجود در این زمینه را برطرف نموده است. موافقت نامه مربوط به ویزا پاراف شده است. موضوع ایجاد منطقه آزاد تجاری بین اوکراین و اتحادیه اروپا نیز که برای اوکراین اهمیت فوق العاده ای دارد به زمانی بعد موکول شده و قرار است مذاکرات مربوط به آن پس از ورود اوکراین به سازمان تجارت جهانی آغاز گردد.

با وجود این، شرکت کنندگان در نشست جامعه انتخاب دموکراتیک از رفتار و سلوک اتحادیه اروپا آزرده خاطر و گله مند بودند. ولادیمیر وارانین رئیس جمهور مولداوی از برگزاری نشست مجمع پارلمانی جامعه در آینده خبر داد و گفت: «این امکان و فرصت مناسبی برای توسعه کشورهای عضو جامعه می تواند باشد، چنانچه ورود آنها به اتحادیه اروپا به زمانی بسیار طولانی و دور موکول گردد.»

ضمناً نه تنها کیشیف بلکه حتی کی یف، گزینه دیگری را نیز را برای روز مبادا برای خود محفوظ و آماده نگهداشته اند. از جمله اینکه ویکتور یوشنکو در آستانه اجلاس ماه دسامبر بطور کاملاً غیر منتظره اعلام نمود که اوکراین آماده است بعنوان عضو برخوردار از حقوق کامل به اتحادیه واحد اقتصادی جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع وارد شود. همانگونه که می دانید اوکراین قبلاً بر ایجاد منطقه آزاد تجاری در چارچوب چهار کشور روسیه، روسیه سفید، قزاقستان و اوکراین موسوم به چیتورکی (چهارگانه) تأکید و

برای شکل گیری این سیاست چگونه می توان بخشی از حق حاکمیت ملی را برای هدایت و پیشبرد آن واگذار نمود؟ این، نکته مبهم و علامت سؤال بزرگی است که همچنان در دستور کار رئیس جمهور قرار خواهد داشت.

اصرار می نمود. در این راستا کی یف برای امضای ۱۵ سند در خصوص توافق در تدوین قوانین مبارزه با انحصار، تبادل آزاد سرمایه و تجارت خدمات و تأسیس منطقه آزاد تجاری اعلام آمادگی نموده بود.

اخیراً ویکتور یوشنکو رئیس جمهور اوکراین طی سخنانی بطور ناگهانی از موضع و سیاست اعلام شده پیشین در این زمینه منصرف شده است. بر اساس گزارشهای منابع خبری اوکراین، او گفته است که کی یف علاوه بر منطقه آزاد تجاری خود را برای تنظیم و امضای اسنادی در زمینه یکسان سازی (یکنواخت نمودن) سیاستهای گمرکی و تعرفه در چارچوب چهار کشور - چیتورکی - آماده می نماید. طرف اوکراینی قبلاً با دو مورد اخیر بشدت مخالفت می ورزید. حالا کی یف آماده است تا انتها این راه را برود. یوشنکو حتی با ایجاد ارگان فراملی برای اداره اتحادیه اقتصادی واحد مخالفتی ندارد. هرچند قبلاً اعلام نموده است که این امر مغایر با قانون اساسی می باشد.



& محلی گرایی در صحنه سیاسی جمهوری آذربایجان*

نگارنده: علی آقا محمدآوف**

مترجم: جلیل یعقوب زاده فرد

وابستگی محلی و منطقه ای هنوز هم در صحنه سیاسی آذربایجان

نقش مهمی ایفا می کند. اگرچه شناسایی اهمیت این مسئله نیازمند

تحقیقات در مورد تاثیر این عامل در صحنه سیاسی جمهوری آذربایجان است، ولی به نظر می رسد این مسئله عامل شکل دهنده و تعیین کننده ذهنیت سیاسی اهالی آذربایجان می باشد. بسته به این نیز محلی گرایی نقش مهمی در ساخت بندی اجتماعی جامعه آذربایجان دارد. شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی جمهوری آذربایجان در اوایل قرن بیستم بر عامل وابستگی منطقه ای در شکل گیری ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه تکیه داشته اند. از آنجا که در همین دوره آذربایجانیان در ساخت حکومتی نقش عمده ای نداشتند. محلی گرایی عمدتاً در عرصه فرهنگی و اقتصادی بروز نموده بود. بعد از تسلط اتحاد جماهیر شوروی بر آذربایجان این اصل اهمیت خود را از دست داد، زیرا وابستگی حزبی عامل تعیین کننده در انتصابات حکومتی بود. از این روی نیز حکومت دارای بافتی چند ملیتی بود. روسها، ارمنه و یهودیان و دیگر اقدام جایگاه مهمی در سیستم مدیریتی به عهده داشتند. افزایش نفوذ آذربایجانیها در ترکیب و ساختار حکومت موجب افزایش شمار کادرهای محلی و بومی در سلسله مراتب حکومتی گردید.

گسترش تدریجی فساد اداری در نظام اداری کشور تشکیل ساختار حکومتی بر مبنای اصل خراجگزاری / رانت خواری و تملک منابع

مالی کشور توسط رهبران حزبی به خصوص از دهه ۶۰ به بعد بروز روابط شخصی غیر رسمی در نظام مدیریتی را ناگزیر ساخته بود. در شکل گیری سلسله مراتب سیاسی واحدهای محلی همچون باکو، شیروان، نخجوان و قره باغ به ترتیب جای یکدیگر را گرفتند. فرایند شکل گیری نظام کلان در آذربایجان از این زمان شروع شد بر اساس این نظام وابستگی خویشاوندی و منطقه گرایی اهمیت درجه دومی در کسب مناصب در ساختار حکومتی و تسهیم منابع مالی ایفا می کرد.

در این دوره از آنجا که محلی گرایی و وابستگی خویشاوندی نقش مهمی در شکل گیری ساختار سیاسی جامعه آذربایجان داشت دیگر گروهها نیز در تلاش برای پیروزی در این رقابت بودند. در رأس این گروهها می توان به رقابت نمایندگان گنجه - قزاق، گرجستان و لنکران - آستارا اشاره کرد. با این همه از آنجا که نظام سیاسی و

مالی در دست برخی کادرهای اصلی حزبی بود و دیگر گروهها تنها برای تسهیم امتیازات در سطح میانی حکومت و بازار سیاه رضایت می دادند. همانند دیگر کشورهای تازه به استقلال رسیده مشخصه بارز سالهای اولیه استقلال در آذربایجان نیز افزایش فعالیت‌های سیاسی و در اولویت قرار گرفتن منافع گروهی بود. در دوره گذار سیاسی و اجتماعی ساختار اجتماعی جامعه آذربایجان به تدریج دچار استهلاک گردید. فقدان آموزه های ایدئولوژیک باعث گردید تا احزاب و تشکلهای سیاسی نیز بر اساس اصل وابستگی منطقه ای و محلی تشکیل گردند. بسته به این عامل تصویری که از احزاب در جامعه آذربایجان شکل گرفته مبتنی بر نام و بیانیه های آن نیست بلکه مبتنی بر گروه بندی منطقه ای است.

با روی کار آمدن جبهه خلق آذربایجان در سال ۱۹۹۲ این امید ظهور نمود که در شکل گیری ساختار سیاسی اصول دیگری مد نظر قرار خواهد گرفت. ولی ضعف تشکیلاتی و عدم تکیه آن به گروههای محلی و خویشاوندی و در مقابل اقدامات تخریبی واحدهای سنتی منطقه ای بر ضد حکومت جبهه خلق به سقوط حکومت انجامید.

در نتیجه حادثه ژوئن ۱۹۹۳ تغییر در حاکمیت آذربایجان روی داد. برخی این حادثه را خیزش دوباره کمونیسم، برخی دیگر آن را رهایی وطن، برخی دیگر نیز بروز تمایلات غیر دموکراتیک در جامعه و تقویت سنت حاکمیت ولایت منشانه در جامعه خواندند. در واقع، هر یک از این ارزیابیها مبتنی بر شواهدی است. اگر این حادثه را از نقطه نظر تاریخ اجتماعی آذربایجان مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه می گردد که حادثه کودتای ژوئن ۱۹۹۳ حاکمیت متشکل ترین و پرمدعترین شکل منطقه گرایی و محل گرایی یعنی گروه نخجوانی - ارمنستانی است.

در دوره بعد از سال ۱۹۹۳ این گروه در سایه کاهش قدرت و توان دیگر گروهها توانست موقعیت خود را به تدریج تحکیم بخشد. فقدان نظارت مرکزی که مشخصه دوره شوروی بود به ظهور دیکتاتوری طایفه گرایی در جامعه آذربایجان انجامید. شروع فرایند شکل گیری کلان در داخل گروه منطقه ای حاکم در سالهای دهه ۷۰ ماهیت خود را نیز بروز داد. برای اولین بار در تاریخ سیاسی

آذربایجان، کلان به معنی کلاسیک آن بر جامعه حاکمیت مطلق یافت.

دیگر گروههای محلی و منطقه ای که صبر خود را برای رقابت بر سر حاکمیت از دست دادند به گروه خراج پرداز گروه منطقه ای مسلط تبدیل گردیدند. در واقع، دیگر گروهها که دور از فرایند خصوصی سازی قرار گرفته اند و فاقد منابع مالی کافی هستند در حال حاضر مشکل و تهدیدی برای گروه اصلی محسوب نمی گردند.

تسلط منطقه گرایی و محل گرایی در فرایند شکل گیری کلان حاکم علاوه بر ابعاد منفی دارای برخی ابعاد مثبت نیز می باشد. جنبه مثبت آن این است که قرار گرفتن حاکمیت در دست یک کلان در آذربایجان موجب همبستگی و انسجام گروه های خراج از حاکمیت گردیده است. این امر تداوم حیات نظام کلان را از بین می برد. شرایط سیاسی کنونی که مشخصه آن رویارویی نیروهای دموکراتیک و تمامیت خواه و رویارویی گروه منطقه ای مسلط و دیگر گروههای سیاسی و اجتماعی است این نتیجه گیری را تأیید می کنند.

در شرایطی که منطقه گرایی بنیانهای ائتلاف سیاسی و واحدهای سیاسی و اجتماعی غیر رسمی را تشکیل می دهند شکل گیری وفاداری دایمی به رهبران سیاسی منسوب به یک منطقه طبیعی خواهد بود. این عامل به نوبه خود عامل تعیین کننده تمایلات رأی دهندگان در کشور می باشد. همچنین تذکر این نکته لازم است که بعد از هر انتخابات نتایجی رسمی که از طرف کمیسیون مرکزی انتخابات اعلان می گردد برآورد تعداد حامیان نیروهای سیاسی کشور و خصوصاً از نقطه نظر برآورد جایگاه آنها در مناطق را ممکن نمی سازد. با این همه بر اساس آمار سال ۱۹۹۹ و آمار منطقه ای آن می توان جدول تخمینی رأی دهندگان در مناطق مختلف آذربایجان را ارائه نمود. طبیعی است که این منوط به انجام انتخابات آزاد می باشد.

به گمانم بر اساس رفتار رای دهندگان مناطق آذربایجان را به شرح زیر می توان گروهبندی کرد. در این گروهبندی اشتراک تاریخی، فرهنگی - قومی و اقتصادی مد نظر قرار گرفته است.

روستاهای باکو، آبشرون، شیروان؛ ۳۱/۵ درصد؛

منطقه قبا، خاچماز؛ ۵/۱ درصد؛

منطقه لنکران، آستارا؛ ۷ درصد؛

منطقه قره باغ؛ ۹/۱ درصد؛

منطقه قفقاز کوچک؛ ۲/۴ درصد؛

منطقه گنجه، قزاق؛ ۱۳/۵ درصد؛

منطقه نخجوان؛ ۴/۴ درصد؛

منطقه مرکزی (دشت کور- ارس)؛ ۱۹/۶ درصد.

باکو و سومقاییت که رفتار رأی دهندگان دیگر مناطق را هم تمثیل می کند از این تحلیل خارج گردیده است. با این همه لازم به ذکر است رأی دهندگان این دو شهر ۲۵ درصد رأی دهندگان کشور را تشکیل می دهد. در این میان تعیین سهم گرجستانی ها و ارمنستانیها که گروههای متشکل و پرمدعایی هستند بسیار مشکل است. براساس واقعیات سیاسی کشور می توان گفت که گروه ارمنستانی ها مکرراً با نخجوانی ها ائتلاف می کنند و این امر نسبت رأی دهندگان طرفدار این گروه را افزایش می دهد.

گرجستانی ها نیز مایل به همکاری با گروه گنجه - قزاق هستند که این نیز به تعداد رأی دهندگان این گروه می افزاید. به صورت کلی طبیعی است که هیچ یک از این گروهها در صورتی که رأی دهندگان اراده خود را به کار برند دارای توان لازم برای کسب آرای رأی دهندگان خود نیستند. این نیز موجب می شود که با برگزاری چند انتخابات آزاد مجلس و ریاست جمهوری محلی گرایی از صحنه سیاسی آذربایجان از بین برود.

* متن سخنرانی علی آقا محمداوف در سمینار دهمین سال استقلال: دستاوردها و پیامدها است که از طرف بنیاد مطالعات اجتماعی آذربایجان در سال ۲۰۰۲ در باکو برگزار گردیده است. متن فوق از منبع زیر ترجمه شده است:

Eliaga Memmebov, Azərbaycan 'in siyasi sehnesinde regionculug meselesi, musteqilliyimizin on illiyi: ugurlarimiz ve itkilerimiz, baki, 2003, ss. 325-330.

** دانشیار و عضو هیأت علمی آکادمی علوم آذربایجان، انستیتوی جمعیت شناسی و باستان شناسی شعبه سیاستهای دولتی.

& سال روسیه در ارمنستان

فرهنگی و مطبوعاتی روسیه نیز به این کشور سفر کردند. همچنین در این چارچوب، میزگرد ناشرین و سردبیران روزنامه های روسیه و ارمنستان برگزار شد و ویکتور سقومیان رئیس مطبوعاتی ریاست جمهوری اعلام کرد که این میزگرد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا رسانه های گروهی پل ارتباطی روسیه و ارمنستان محسوب می گردند. وی خاطر نشان کرد که

در چارچوب برگزاری سال روسیه در ارمنستان، روزهای فرهنگ مسکو، سنت پترزبورگ، سامارا و سوردلوسک بطور جداگانه ای در این کشور برگزار شد و نمایشگاههای مختلفی ترتیب داده شد. همچنین برنامه های متنوع فرهنگی، هنری و ادبی استانها و شهرهای فوق الذکر در این کشور اجرا گردید. نمایندگان علمی، هنری،

مطبوعات روسی نه تنها از استقبال خوبی در ارمنستان برخوردار هستند. بلکه برای شهروندان عامی نیز قابل درک هستند. آقای سوفومونیان اعلام کرد: «دو کشور روسیه و ارمنستان دارای میراث فرهنگی مشترکی چون زبان روسی هستند و از دست دادن این میراث خطای بزرگی محسوب می شود». امضای توافقنامه همکاری علمی میان آکادمی های علوم ارمنستان و روسیه یکی دیگر از برنامه های مهم سال روسیه در ارمنستان بود. بر اساس این توافقنامه، آکادمی های علوم دو کشور در ارتباط با ۶۵ موضوع علمی همکاری خواهند نمود. یوری شوکورین نایب رئیس آکادمی علوم ارمنستان در این ارتباط گفت: «این توافقنامه همکاری دو کشور را در زمینه علمی گسترش خواهد داد». قرار است در سال آینده همکاری علمی میان دو کشور توسعه یابد.

آقای نیکلای پلاتن نایب رئیس آکادمی علوم روسیه در این سمینار با تأکید بر نیروی بالقوه ارمنستان اعلام کرد: «مشکل اساسی دو کشور در زمینه علوم نبود امکانات مالی کافی می باشد».

در چارچوب سال روسیه همچنین قرار شد اتاق بازرگانی روسیه در ارمنستان گشایش یابد. شایان ذکر است که در ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۵ حجم مبادلات تجاری میان دو کشور به نسبت سال قبل ۴۰ درصد افزایش یافته است. گفته می شود که حجم مبادلات تجاری میان روسیه و ارمنستان در سال ۲۰۰۵ به ۳۰۰ میلیون دلار رسیده و حجم صادرات روسیه به ارمنستان نیز در این سال ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. همچنین قرار شد نمایشگاه دائمی تجاری روسیه در ارمنستان در مساحتی به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع تأسیس شود. کارشناسان می گویند این نمایشگاه که طی دو سال آینده تأسیس خواهد شد برای طرفین سودآور خواهد بود. آنان می گویند که یک دلار سرمایه گذاری بطور غیر مستقیم ۸ دلار سود خواهد داشت. شایان ذکر است که در ارمنستان نمایشگاه تکنولوژی و بازرگانی نیز به مناسبت پایان سال روسیه در ارمنستان برگزار گردید. بطور کلی در چارچوب سال روسیه در ارمنستان دهها سمینار، میز گرد، همایش علمی، نمایشگاهها و کنسرت های متعدد با شرکت دانشمندان، متخصصین، روزنامه نگاران و هنرمندان روسیه برگزار گردید و در پایان برنامه های سال روسیه در ارمنستان، نخست وزیر

روسیه به این کشور سفر نمود. در دیدار جداگانه میخائیل فرادکوف نخست وزیر روسیه و آندرانیک مارکاریان نخست وزیر ارمنستان در روز جمعه ۲ دسامبر طرفین تأکید کردند که دو کشور در چارچوب سازمانهای منطقه ای و بین المللی دارای همکاری فعالی بوده و روابط پارلمانی دو کشور به سرعت رو به گسترش است. آنان همچنین تأکید کردند که همکاری نتیجه بخشی را در زمینه مبارزه با تهدیدات جهانی خواهند داشت. طرفین همچنین اعلام کرده اند که همکاریهای اقتصادی و علمی در چارچوب مصوبات هفتمین نشست کمیسیونهای اقتصادی و علمی مشترک در حال گسترش می باشد. آنان فعالیت این کمیسیونها را نتیجه بخش اعلام کرده و از اینکه رئیسان این کمیسیونها دارای دیدارهای متمادی هستند. اظهار خرسندی کرده اند. به نظر آنان این امر باعث گسترش همکاریهای اقتصادی میان دو کشور خواهد شد. نخست وزیران همچنین با اشاره به طرح واگذاری برخی از مراکز اقتصادی به روسیه در مقابل بدهی های ارمنستان به این کشور ضرورت فعالیت این مراکز را مورد تأکید قرار دادند. طرفین همچنین با اشاره به گسترش همکاریهای انرژی و حمل و نقل اعلام کرده اند که توسعه صنعت حمل و نقل میان دو کشور باعث خواهد شد تا روابط اقتصادی دو کشور از تعمیق بیشتری برخوردار شود. فرادکوف نخست وزیر روسیه با تأکید بر ضرورت گسترش روابط دو جانبه میان دو کشور گفته است: «برگزاری سال روسیه در ارمنستان باعث شد تا روابط دو کشور از کم و کیف بهتری برخوردار شود».

آندرانیک مارکاریان نخست وزیر ارمنستان در مراسم پایانی سال روسیه در ارمنستان گفت: «و ملت روسیه و ارمنستان راه طولانی ای را همراه با پیروزی و مشکلات و سختی ها طی کرده اند.» وی تأکید نمود: «دو کشور دارای همکاری متقابل برای حفظ امنیت خود، ثبات منطقه و همچنین مقابله با تهدیدات جهانی هستند...» نقش روسیه به عنوان رئیس گروه مینسک برای حل مناقشه قره باغ از اهمیت بسزایی برخوردار است. «وی با اشاره به روابط سیاسی و اقتصادی رو به رشد دو کشور همچنین تأکید کرد که روسیه بزرگترین شریک اقتصادی ارمنستان محسوب می گردد. و همکاری دو کشور در عرصه های آموزشی، فرهنگی و علمی غیر قابل

توصیف است. نخست وزیر ارمنستان تأکید نمود: «سال روسیه در ارمنستان برای دو کشور این امکان را فراهم آورد تا آنان از نیروی بالقوه یکدیگر در زمینه های علمی، اقتصادی و فرهنگی آشنا شده و چشم انداز همکاری در این زمینه ها را فراهم آورند». در پایان دیدار نخست وزیران دو کشور، توافقنامه های مختلفی در زمینه های علمی و اقتصادی میان مقامات دو کشور به امضا رسید. طرفین همچنین توافقنامه حق دفاع متقابل نسبت به نتایج و دستاوردهای علمی بدست آمده طی همکاری نظامی - تکنولوژی میان دو کشور و نیز تفاهم نامه تغییرات مربوط به موافقتنامه فعالیت پایگاههای نظامی روسی مستقر در ارمنستان را امضا کردند. سال روسیه در ارمنستان با نمایشگاه ملی روسیه و کنفرانس مسائل اقتصادی پایان یافت. نمایشگاه ملی روسیه در ارمنستان یکی از ابتکارات مهم سال روسیه در ارمنستان بود. طی این نمایشگاه دستاوردهای روسیه در زمینه های انرژی، الکترونیک، حمل و نقل، تولید مواد شیمیایی و غیره طی یک سال گذشته در معرض بازدید عموم گذاشته شد.

شایان ذکر است بر اساس برنامه ریزی صورت گرفته سال آینده، سال ارمنستان در روسیه نام گرفته است و در چارچوب آن برنامه های مختلفی در روسیه به اجرا در خواهد آمد.

& معرفی کتاب

مباحث سیاست و حکومت، وضعیت اقتصادی و تاریخ سیاسی این کشور داشته باشد.

بخش نخست، حول محورهایی نظیر جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، اوضاع سیاسی و وضعیت اقتصادی قزاقستان می باشد. نویسنده پس از اشاره ای کوتاه به جمعیت، زبان و خط و شهرهای مهم قزاقستان، وارد مبحث سیاست و حکومت در این کشور می گردد. بیان شکل حکومت، جهت گیری سیاست خارجی، ساختار سیاسی از حیث تمرکز یا عدم تمرکز اداری، احزاب، پرچم

«سیمای فرهنگی قزاقستان» اثری است که توسط محمدحسین عابدینی به رشته تحریر درآمده و از سوی انتشارات بین المللی الهدی در سال جاری چاپ گردیده است. این کتاب دارای یک مقدمه و هفت بخش می باشد. اگرچه اثر یاد شده عمدتاً بیانگر ساخت فرهنگی - اجتماعی کشور قزاقستان و عناصر تشکل دهنده آن می باشد، لیکن نویسنده سعی نموده است تا نیم نگاهی نیز به

و سرود ملی، قانون اساسی، سیستم حقوقی و قضایی و بالاخره وضعیت عضویت قزاقستان در سازمان های منطقه ای و بین المللی در ابعاد مختلف از جمله موضوعات مورد اشاره در مبحث سیاست و حکومت در این کشور به شمار می آید. علاوه بر این، وی از رهگذر این موضوع، دریچه ای به سوی هویت ملی، تاریخی و دینی قزاقستان به ویژه در سپهرفرایند جهانی شدن باز نموده است. نویسنده با بیان اینکه در این جمهوری سه جریان ملی گرایی، اسلام گرایی و غرب گرایی مؤلفه های اصلی در شکل دهی به هویت نوین قزاقستان به شمار می آیند، معتقد است که قزاقستان به نسبت جهان اسلام و شرق، گرایش بیشتری به غرب، آمریکا و روسیه

دارد. وی در ادامه به بیان واکنش های متفاوت سه جریان یاد شده نسبت به فرایند جهانی شدن می پردازد. اما موضوع پایانی در بخش اول کتاب، اوضاع اقتصادی این کشور می باشد. نویسنده در این قسمت تلاش دارد تا در قالب ارائه برخی آمار و ارقام، وضعیت اقتصادی قزاقستان را در حوزه های مختلفی همچون: معادن، کشاورزی، انرژی، ذغال سنگ، برق، اورانیوم، پول ملی، تولید ناخالص ملی، نرخ تورم، سهم تجارت خارجی، سرمایه گذاری خارجی و صنعت توریسم تشریح نماید.

بخش دوم این کتاب، مشخصاً به تاریخ سیاسی و یا به عبارتی تبارشناسی قوم قزاق در سه دوره زمانی باستان، اسلام و معاصر می پردازد. نویسنده معتقد است که این قوم از اطراف دریای خزر، کشورهای پامیر و آلتایی در آسیای مرکزی پا گرفته است. علاوه بر این، قوم قزاق خود محصول امتزاج قبایلی همچون سکایی، یوئه چی بزرگ، ووسون و کانگ جو می باشد. وی در ادامه می افزاید بخش جنوبی آسیای مرکزی از سده دهم میلادی پذیرای اسلام می گردد و از این زمان به بعد، این منطقه دستخوش تحولات سیاسی - اجتماعی متفاوت از گذشته بوده است. اما دوره معاصر قزاقستان، از زمان حاکمیت کمونیسم بر این کشور یعنی پیروزی بلشویک ها در سال ۱۹۲۰ آغاز می شود.

بخش سوم به وضعیت فرهنگ در قزاقستان اشاره دارد. نویسنده در ابتدا ضمن مختصر اشاره ای به دوره اختلاط و امتزاج فرهنگی

مدنیت قزاقی در تمدن ایرانی، به بیان نکاتی چند در مورد آداب و سنن قزاقی، اعیاد و مناسبت ها، جشن نوروز، موسیقی، ضرب المثل ها، واژه های مشترک در زبان فارسی و قزاقی، مذاهب و فرقه ها می پردازد. از آنجا که جمهوری قزاقستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی، محل تلاقی سه دین جهانی اسلام، مسیحیت و بودیسم می باشد، لذا در این کشور فرقه ها و مذاهب مختلفی منشعب از این سه دین بزرگ وجود دارند. به اعتقاد نویسنده، اسلام، مسیحیت و بودیسم به ترتیب، بیشترین پیروان را در قزاقستان از آن خود نموده اند. طریقت یسویه، فرقه احمدیه، فرقه نقشبندیه، فرقه کریشنا، شاهدان یهود و بهائیت نمونه هایی از این فرق و مذاهب به شمار می آیند. اما مؤلف این اثر در بخش یاد شده باب ویژه را نیز جهت بررسی موقعیت اسلام در قزاقستان، وضعیت شیعیان و رابطه دین و دولت در این کشور باز می نماید. از نظر وی، به رغم آنکه قزاقستان از نقطه نظر جغرافیای سیاسی از مراکز اسلامی دور بوده است، لیکن به خوبی پذیرای اسلام بوده و این دین توانسته است تا در شعائر و آداب و سنن کشور یاد شده تأثیرات شگرف به جای گذارد. نویسنده می کوشد تا به مدد آمار و ارقام این وضعیت را به عینه اثبات نماید. و موقعیت زن در آسیای مرکزی و قفقاز، هنر در اعصار مختلف (دوره معاصر و دوره استقلال) صنایع دستی، شعر و موسیقی، تئاتر و سینما، مراکز هنری، تئاترهای شهرآلماتی از دیگر مطالب و موضوعاتی هستند که در بخش سوم به آن پرداخته شده است.

بخش چهارم، به طور مشخص به مراکز علمی، دینی، فرهنگی و آموزشی قزاقستان اختصاص دارد. ارائه فهرست کاملی از دانشگاهها، موزه ها و کتابخانه های بزرگ و معتبر کشور و معرفی اجمالی برخی از آنها، توصیف وضعیت مساجد و کلیساها و بالاخره جایگاه زبان فارسی در قزاقستان از اهم موضوعاتی است که این بخش بدان پرداخته است.

در فصل پنجم، نویسنده پس از آنکه رسانه های گروهی را محور توجه قرار می دهد، وضعیت آنها را در قزاقستان در قالب سه دسته مطبوعات، رادیو و تلویزیون و خبرگزاری ها و رسانه های خارجی به تفکیک بررسی می نماید. در این بخش، ضمن پر رونق برشمرده

شدن وضعیت مطبوعات در قزاقستان پس از استقلال این کشور، تعدادی از اهم این نشریه ها معرفی می گردند. کنفرانس ها و نشست های علمی موضوع بخش ششم کتاب است. بیان فهرست کاملی از کنفرانس ها و سمینارهای داخلی و بین المللی برگزار شده در سال ۲ - ۲۰۰۱ و پرداختن به چند مورد از اهم آنها همراه با درج مقالات مرتبط در هر یک از این نشستها، کانون اصلی توجه نویسنده در بخش ششم است. اما در بخش هفتم و پایانی به معرفی شخصیت های ادبی و هنری و نیز علمی و دینی اختصاص دارد. نویسنده در این بخش می کوشد تا بیوگرافی مختصری از فعالیت های علمی و هنری این عده را ارائه دهد. پایان این بخش نیز به مصاحبه انجام شده با پروفیسور عبدالملک نیشان پایف، رئیس انستیتوی فلسفه آکادمی علوم و دایرة المعارف قزاق مزین گردیده است.

& رویدادها و گزارشهای خبری

فرهنگ و جامعه

تهران (۱۵ بهمن ۱۳۸۴) - «باغ آلبالو» از روسیه و «اصحاب كهف» از نخجوان از جمله تئاترهای منطقه بودند که در بیست و چهارمین فستیوال تئاتر فجر از ۳۰ دی ماه تا ۱۰ بهمن ۱۳۸۴ در تئاتر شهر تهران به نمایش درآمدند.

▪ باغ آلبالو در بیست و چهارمین فستیوال فجر

به گزارش خبرنگار ایراس از محل برگزاری فستیوال تئاتر فجر در تهران در طی ۱۰ روز برگزاری فستیوال ۱۵ نمایش خارجی از ۱۴ کشور به تماشا گذاشته شد که تئاتر دراماتیک «باغ آلبالو» اثر آنتوان چخوف توسط لابراتوار بین المللی چخوف از مسکو و تئاتر عروسکی «اصحاب کهف» از نخجوان در میان آنها بودند. داستان «اصحاب کهف» که در شهر نخجوان اتفاق افتاده است یکی از اتفاقات تاریخی این شهر محسوب می شود و اهالی محل معتقدند که این ماجرا در یکی از غارهای منطقه بوده است. این نمایش در طی دو روز در تالار هنر اجرا شد، ولی به دلیل عدم کیفیت بالای کارگردانی و نمایش هر بار با انتقاد شدید تماشاگران روبرو شد و گروههای تماشاچی دسته دسته سالن تئاتر را به هنگام اجرای نمایش ترک می کردند.

نمایش «باغ آلبالو» توسط ویکتور گولچنگو رییس لابراتوار بین المللی چخوف که یکی از چخوف شناسان معروف دنیاست کارگردانی شد. این نمایش در تالار چهارسو اجرا شد که در چهار اجرا در دو روز به نمایش درآمد. دیدن باغ آلبالو برای تماشاچیان بسیار جذاب بود چون هم کارگردان و هم بازیگران هموطن چخوف بودند و نمایش به زبان روسی اجرا شد. تماشاچیان استقبال زیادی از بازی بازیگران این نمایش ۱۶۰ دقیقه ای کردند اما اکثراً معتقد بودند که کارگردان از مسائل دیگری از قبیل میزاسن و دکور و صحنه آرای غافل شده است. اما با وجود بازی زیبای بازیگران باغ آلبالو جایزه تندیس طلایی به این نمایش تعلق نگرفت. بازیگران آن معتقد بودند که در ایران چخوف و آثار وی را آنگونه که باید نمی شناسند. به گفته کارگردان این نمایش، در ایران تماشاچیان بیشتر حرکات دست و پا را می پسندند تا قدرت تخیل و احساسات را.

■ سرنوشت مجسمه های کمونیستی

مسکو (۱۶ بهمن ۱۳۸۴) - یک کنفرانس مطبوعاتی برای هماهنگی مجسمه های دوران کمونیسم با مجسمه های جدید در مسکو برگزار شد.

به گزارش روزنامه پراودا در دفتر خبرگزاری روسیه «نوستی» در مورد «مشکلات مبرم احداث مجسمه ها در منطقه مسکو» یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد. مضمون سئوالات در زمینه چگونگی تعیین نصب مجسمه های جدید، سرنوشت مجسمه های زمان کمونیستی و دور نمای افزایش هنر مجسمه سازی و پیکره سازی در پایتخت، بود. شرکت کنندگان در این کنفرانس مطبوعاتی رئیس شعبه کمیته حفاظت از پیکره سازی میراث فرهنگی مسکو ولادیمیر باکالاروف و رئیس هیأت دومای شهر مسکو در رابطه با هنر پیکره سازی، سرگی پتروف، و نماینده دومای شهر مسکو، مؤلف قانون شهر مسکو در مورد مفهوم ترتیب احداث آثار پیکره سازی و دکور سازی در شهر مسکو، آلکساندر کروتوف به این سئوالات پاسخ دادند.

در کل آنها تأکید کردند که کمیته میراث فرهنگی مسکو اکنون مشغول کار روی ۱۵۰ مجسمه پایتخت است که هر کدام از آنها دارای ارزش تاریخی، فرهنگی و هنری می باشد. از بین آنها مجسمه های پوشکین، مینین و پازارسکی به چشم می خورد. مونیتورینگ، بررسی فنی، تحقیق، ترمیم و نگهداری مجسمه ها در وضعیت مطلوب از جمله وظایف این کمیته می باشد.

درباره تاریخ تشکیل کمیسیون و فعالیتهای قانونی هنری آن صحبت شد که ایده قانون مسکو در سال ۱۹۹۷ به دلیل تشکیل گروه های داوطلب که فعالانه در جبهه مخالف احداث بعضی از مجسمه ها در پایتخت، فعالیت می کردند، بوجود آمد. چون برگزاری همه پرسی در مورد چنین موضوعاتی برای خزانه شهر مخارج اضافی شمرده می شد، تصمیم گرفته شد که یک کمیسیون اجتماعی برای تصمیم گیری در مورد چنین موضوعاتی و رسیدگی به اعتراضات در این مورد، تشکیل شود تا کار به همه پرسی کشیده نشود. نیمی از اعضای این کمیسیون را نمایندگان همان گروه های ابتکاری تشکیل دادند. در ابتدا دو مرکز جداگانه در رابطه با تحقیق اجتماعی نظرات شهروندان بوجود آمده که کمیسیون امکان شناخت سلیقه شهروندان مسکو را داد.

این کمیسیون ۱۵ عضو دارد که همگی آنها متخصصینی در زمینه تاریخ، هنر، مجسمه ساز، آرشیوتکت، نقاشان و نویسندگان هستند. این کمیسیون یک بار در ماه تشکیل می شود و پیشنهادات اعضا را بررسی می کند. آرشیوتکنها مکان نصب و هنرمندان فضای فرهنگی را در رابطه با موضوع مورد نظر بررسی می کنند. در تمام شهر ها این گونه تصمیمات را مقامات دولتی طبق پیشنهادات متخصصین می گیرند و مردم به دولت اعتماد دارند، ولی ملت روسیه نه دولت، نه پزشک معالج، نه رادیو و تلویزیون را قبول ندارند و فقط خودشان را باور دارند البته در این مورد ما دارای پتانسیل زیادی هستیم.

هدایای زیادی به شهر مسکو از طرف اشخاص، سازمانها و دولتهای خارجی اعطا می شود که متأسفانه اعضای کمیسیون امکان بررسی همه آنها را ندارد و گاهی دولت با خواسته و پیشنهاد کمیسیون در رابطه با مکان نصب موافقت نمی کند. ولی در هر حال هدف کمیسیون هم جلب نظر اهالی منطقه و هم زیبایی شهر طبق موازین تخصصی است.

■ انتشار کتابی درباره قزاقستان

تهران (۱۶ بهمن ۱۳۸۴) - کتاب «سیمای فرهنگی قزاقستان» نوشته محمد حسین عابدینی منتشر شد.

این کتاب که در تیراژ ۱۰۰۰ جلد توسط انتشارات بین المللی الهدی به چاپ رسیده است، دارای هفت بخش است.

در بخش اول خصوصیات جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی قزاقستان بررسی شده است. در بخش دوم، تاریخ سیاسی قزاقستان شامل ریشه یابی قوم قزاق و تاریخ این قوم در دوره های باستان، اسلام و معاصر بررسی شده است. بخش سوم اوضاع فرهنگی قزاقستان را دربر می گیرد که روابط فرهنگی با ایران را نیز شامل می شود. در بخش های چهارم و پنجم، نویسنده به بررسی مراکز علمی، دینی و آموزشی و رسانه های گروهی قزاقستان پرداخته است. در بخش های ششم و هفتم سمینارها و کنفرانس های برگزار شده مربوط به قزاقستان و مشاهیر و شخصیت های ادبی، هنری، علمی و دینی معرفی شده اند.

■ تقاضای آکادمی شرق شناسی روسیه از مراکز

اسلامی ایران

تهران (۱۶ بهمن ۱۳۸۴) - استاد آکادمی شرق شناسی روسیه می گوید که مراکز اسلامی ایران باید در زمینه ارسال کتاب و نرم افزار کمک بیشتری به این آکادمی بکنند.

پروفسور استانیسلاو میخالویچ پروزروف، استاد آکادمی شرق شناسی لنینگراد روسیه صبح امروز از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بازدید کرد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، وی در این بازدید، با اشاره به تحول تحقیقات دینی در پس از انقلاب اسلامی ایران در روسیه گفت: اکنون شاهد چاپ کتب متعدد اسلامی در روسیه هستیم.

وی ادامه داد: علیرغم گسترش چاپ کتب اسلامی در روسیه، به دلیل عدم نظارت کافی، اغلب این آثار به وسیله افراد غیر متخصص نوشته می شود. این استاد دانشگاه روسیه با اشاره به توجه کمتر قشر جوان به شیعه شناسی در روسیه گفت: امیدوارم با مساعدت ایران، اطلاعات بیشتری در مورد شیعه در اختیار محققان روسی قرار گیرد تا شاهد حضور علاقمندان جوان بیشتری در این گرایش باشیم. وی خاطرنشان کرد: در روسیه اسلام از زبان اهل سنت شناخته می شود و شیعیان کمتر به بیان دیدگاه های خود در روسیه پرداخته اند که باید راه مناسبی برای بیان نظرات آنان پیدا کرد. وی افزود: به دلیل مشکلات مالی، کتاب های تحقیقاتی قوی و منسجم کمتر چاپ می شوند که اگر این مشکل حل شود می توان مردم روسیه را با اسلام و به خصوص شیعه بیشتر آشنا کرد.

پروفسور میخالویچ تصریح کرد: باید مراکز اسلامی ایران مساعدت جدی تری در زمینه ارسال کتاب و نرم افزار داشته باشد.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه اکثر آثار موجود در روسیه آثار قدیمی هستند، کتب جدید که به صورت نرم افزار درآمده اند بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. پروزروف در پایان خواستار مساعدت جدی ایران در زمینه چاپ کتب اسلامی در روسیه شد.

■ پوتین و تولد یک نویسنده

مسکو (۱۷ بهمن ۱۳۸۴) - ادوارد والادارسکی یکی از بهترین نویسندگان و فیلمنامه نویسان روسیه شصت و پنجمین سالگرد تولدش را جشن گرفت.

به گزارش خبرگزاری اس ام آی، نویسنده، نمایشنامه نویس، سناریو نویس و هنرمند شایسته روسیه ادوارد والادارسکی روز ۳ فوریه ۱۹۴۱ در شهر خارکوف (اوکراین) به دنیا آمد.

در سال ۱۹۶۷ درس خود را در دانشکده فیلم نامه نویسی دانشگاه دولتی سینمایی شوروی سابق به اتمام رسانید. تا کنون ۶۰ فیلم از سناریوهای این هنرمند ساخته شده است که معروف ترین آنها عبارتند از: راه خانه، بازرسی در جاده ها، خودی بین غریبه ها - غریبه بین خودی، وظایف ما، دوست من ایوان لاپشین، دمیروفها، غبار وطن، امیلیان پوگاچوف، جنگ، خداحافظ ولگرد بیرون مسکو، چه کسی در سرزمین روس زندگی میکند، اشتراکات و دیگر فیلمها. رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین به ادوارد والادارسکی شصت و پنجمین سالگرد تولدش را تبریک گفت و اظهار داشت: «بسیاری از فیلمها و نمایشها از روی سناریوهای شما ساخته شده اند، که از نظر حرفه ای در سطح بالایی هستند و در بین تماشاچیان

محبوبیت حقیقی را به دست آورده اند. مطمئنم که شما مانند یک هنرمند واقعی به تمام آنچه به دست آورده اید اکتفا نمی کنید و خوانندگان خود را با کارهای جدید و جالب دیگر خوشحال خواهید کرد.»

■ تهاجم فرهنگی جکسونها به ارمنستان

ایروان (۱۷ بهمن ۱۳۸۴) - خانواده جکسونها در ارمنستان یک مجموعه تفریحی می سازند.

جرمن جکسون، برادر مایکل جکسون، ستاره موسیقی پاپ و خواننده معروف، سفری دو هفته ای به قصد آشنا شدن با فرهنگ ارمنی، کشور ارمنستان و شو بیزنس ارمنستان انجام داد. طبق گزارش ریانووستی، طی کنفرانس مطبوعاتی که روز ۶ فوریه برگزار شد، جکسون اعلام کرد که تا کنون توانسته از چند موزه در ایروان و همچنین از مکان مقدس اچمیادزین بازدید کند و قصد دیدار از بیمارستان کودکان در ایروان را دارد. برنامه بعدی این خواننده آشنا شدن با صنعت نمایش ارمنستان است. او گفت: «خانواده جکسونها برای کمک به کشورهای آفریقایی برای مبارزه با بیماری ایدز بنیاد کمک به کره زمین» را تشکیل داده اند. «ممکن است بعد از بازدید از بیمارستان و شناخت نیازها، این بنیاد به بیمارستانهای ارمنستان هم کمک رسانی کند. جکسون همچنین گفت که اعضای خانواده وی قصد دارند در اروپا یک مجموعه تفریحی شامل رستوران، هتل و شبکه های تلویزیونی احداث کنند و اضافه کرد که برنامه ساخت چنین مجموعه ای را در ارمنستان دارند. به عقیده او ساخت این مجموعه امکان برگزاری کنسرت های خوانندگان آمریکایی در ارمنستان را تسریع می کند و گفت: «اگر این مجموعه احداث شود می توانیم کنسرت مایکل جکسون را هم در ارمنستان برگزار کنیم.»

قابل ذکر است که سفر جرمن جکسون به ارمنستان را تاجر بزرگ گریگوری سروبیان برنامه ریزی کرده بود و کار ترجمه در نشست مطبوعاتی را دختر شایسته ارمنستان و دختر شایسته کشورهای مستقل مشترک المنافع، گوآر آروتونیان به عهده داشت.

■ نویسندگان روسی برنده کتاب سال ایران

تهران (۲۳ بهمن ۱۳۸۴) - کتاب «اسلام دگرین زندگی» و «آموزش زبان فارسی» در سیزدهمین جایزه جهانی کتاب سال ایران موفق به اخذ جایزه شدند.

کتاب «اسلام دگرین زندگی» نوشته اسلام شناس برجسته روسیه پروفسور پرزروف و کتاب «آموزش زبان فارسی» نوشته پروفسور ایوانف در سیزدهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به ترتیب در حوزه های مطالعات اسلامی و ایرانشناسی موفق به اخذ جایزه شدند.

کتاب «اسلام دگرین زندگی» که حاصل سال ها تلاش پروفسور پرزروف، استانیلاو میخائیلویچ اسلام شناس برجسته روسیه و معاون انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم روسیه در سنت پترزبورگ می باشد، به معرفی جهان بینی اسلامی و جریان های مهم اندیشه اسلامی در میان مذاهب مختلف اسلام و همچنین

معرفی ملل و نحل اسلامی و شیوه های ملل و نحل نویسی با تأکید بر مذهب شیعه پرداخته است. تاریخ شناسی و کتابشناسی در اسلام نیز از مباحث مورد توجه در این کتاب بوده و در بخش پایانی این کتاب معرفی اسلام به عنوان یک دین واحد و ویژگی های آن در مناطق مختلف به رشته تحریر در آمده است. پرفسور

پرزروف پیش از این در زمینه مطالعات اسلامی آثار بسیار ارزشمندی چون «دایرة المعارف اسلام در روسیه» را تدوین نموده است. و هم اکنون نیز ترجمه تفسیر المیزان به زبان روسی را در دست اقدام دارد.

«کتاب آموزشی زبان فارسی» با بهره گیری از تجربه بیش از دو قرن آموزش زبان فارسی در فدراسیون روسیه و متون آموزشی مختلف در این زمینه تدوین شده است. این کتاب به سرعت به عنوان یک کتاب منبع پایه و مبنای آموزش زبان فارسی در دانشگاه های فدراسیون روسیه و کشورهای همجوار جای خود را یافته و بطور گسترده مورد استفاده اساتید و دانشجویان این رشته قرار گرفته است. پروفیسور ایوانف ولادیمیر باریسویچ استاد سرشناس زبان فارسی دانشگاه دولتی مسکو و رئیس کرسی زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه با همکاری خانم یلینا گلاکوا استاد با سابقه زبان فارسی و رئیس کرسی زبان های هند و ایرانی دانشکده روابط بین الملل روسیه این اثر را پدید آورده است.

گفتنی است در سال جاری با تلاش رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو و اطلاع رسانی و ارسال به موقع فراخوان مربوطه به مراکز علمی تحقیقاتی روسیه از بین آثار معرفی شده ۷ کتاب برجسته در زمینه های ایرانشناسی و مطالعات اسلامی کاندید دریافت جایزه جهانی کتاب سال کشورمان شده بودند.

▪ روز والتاین در روسیه

مسکو (۲۵ بهمن ۱۳۸۴) - روز والتاین را فقط ۳۷ درصد مردم روسیه جشن می گیرند. این آمار را مرکز تحقیقات یوری لوادا که از طریق نظرسنجی به دست آورده، اعلام کرده است.

این نظرسنجی نشان داده است که ۵۰ درصد مردم اصلاً این روز را جشن نخواهند گرفت، ۶ درصد به طور کلی از این روز خبر ندارند و ۷ درصد پاسخ مشخصی نداده اند. ولی مرکز لوادا تأکید کرد که روز والتاین کاتولیکی به تدریج وارد فرهنگ مردم روسیه می شود و بخصوص در میان جوانان این کشور طرفداران زیادی پیدا کرده است. ۷۱ درصد جوانان بین سنین ۲۵ - ۱۸ سال این روز را جشن می گیرند. کاتولیکهای شهر یکاترینبورگ این روز را جشن نمی گیرند. به عقیده آنها روز عاشقان به صورت «مد» در آمده است. طبق گزارش میرنوستی هنرمندان سن پترزبورگ مخالف صد در صد روز والتاین هستند. حتی برای اعتراض نمایشگاهی از کارهای خود را که به این روز اختصاص داده شده، برگزار کردند. در آثار آنان مخالفت با این روز کاملاً بارز است.

سیاست

▪ احتمال کودتای جدید در قرقیزستان

بیشکک (۱۲ بهمن ۱۳۸۴) - یک کارشناس سیاسی قرقیز احتمال بروز کودتا در این کشور را محتمل دانست.

به گزارش ایرنا، «الکساندر کنیازاف» استاد رشته تاریخ و کارشناس معروف سیاسی قرقیزستان احتمال بروز انقلاب و یا کودتای جدید در این کشور را ممکن و محتمل دانست. هفته نامه «دیلا» چاپ بیشکک پایتخت قرقیزستان روز چهارشنبه به نقل از وی نوشت: عواقب و نتایج چنین رخداد و تأثیر آن بر سرنوشت کشور و مردم را نمی توان پیشگویی کرد. کنیازاف گفت: همقطاران سابق «قربان بیک باقی اف» رییس جمهوری قرقیزستان که در حال حاضر مخالف وی هستند، به دنبال بروز انقلاب و یا کودتا هستند. این کارشناس قرقیزی تأکید کرد: افراد ناراضی از دولت فعلی جهت براندازی حکومت از نزدیکان و خویشاوندان و همشهری های خود استفاده می کنند. کنیازاف که کارشناس ارشد در امور افغانستان است، تصریح کرد: روند سیاسی قرقیزستان شبیه افغانستان است. وی افزود: دولت باقی اف بر حکومت های محلی کنترل و نظارت کامل ندارد و این روند نامطلوب می تواند به تدریج آینده کشور را در معرض خطر قرار دهد.

به گفته وی قرقیزستان تا تحولات ۲۴ مارس سال ۲۰۰۵ دولت باثبات و قدرتمندی نبود ولی به دنبال سقوط دولت عسکر آقاف پیشرفت های نسبی را نیز از دست داد.

▪ آمار دادستانی تاجیکستان در باره نقض حقوق بشر

دوشنبه (۱۷ بهمن ۱۳۸۴) - دادستانی تاجیکستان در سال گذشته حدود ۱۰۰ مورد نقض حقوق بشر را ثبت کرده ولی به اعتقاد فعالان حقوق بشر آمار واقعی به مراتب بیشتر است.

به گزارش بی بی سی، یکی از علل چنین وضعی نبودن قوانین مؤثر جنایی در تاجیکستان ارزیابی شده، زیرا به گفته کارشناسان در این کشور هنوز هم از قانون مرافعه جنایی که در سال ۱۹۶۱ تهیه شده است، استفاده می شود. در نشستی که در شهر دوشنبه برگزار شد، مسئولان دادستانی تاجیکستان از فعالیت این نهاد در زمینه جلوگیری از موارد نقض حقوق بشر در این کشور گزارش دادند.

▪ بازداشت غیرقانونی

در سال ۲۰۰۵ از سوی کارمندان دادستانی تاجیکستان مشخص شد که علیه ۳۶ شهروند پرونده جنایی غیرقانونی باز شده است.

به گفته سعیدامیرف، یک مسئول دادستانی کل تاجیکستان، در سال گذشته این نهاد در مجموع از حدود ۱۰۰ مورد نقض حقوق بشر از سوی کارمندان نهادهای انتظامی و امنیتی این کشور جلوگیری کرده است. آقای سعیدامیرف افزود: «در سال ۲۰۰۵ از سوی کارمندان دادستانی تاجیکستان مشخص شد که علیه ۳۶ شهروند پرونده جنایی غیرقانونی باز شده است.

همچنین ۴۰ نفر دیگر نیز به شیوه غیرقانونی به محکمه کشیده شده اند. دادستانی همچنین ۲۳ مورد بازداشت غیرقانونی را کشف کرد. آقای سعیدامیرف گفت کلیه افرادی که مرتکب نقض حقوق بشر شده اند، با پیشنهاد دادستانی به مجازات رسیده اند. در همین حال، به گفته عزیز دینارشافیف، یک مسئول اداره حقوق بشر در تاجیکستان موارد واقعی نقض حقوق بشر در این کشور بمراتب بیشتر از ارقامی است که در این زمینه اعلام می شوند.

وی افزود در تاجیکستان عمده‌تاً در زمینه بازداشت غیرقانونی، ضرب و شتم در بازداشتگاهها، دسترسی به خدمات وکیل مدافع و دادگاه منصفانه، شهروندان همواره با مشکلاتی روبرو می شوند.

اقتصاد

■ به تأخیر افتادن عضویت روسیه در WTO

مسکو (۲۹ بهمن ۱۳۸۴) - عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی حداقل تا پانز به تأخیر افتاد.

به نوشته روزنامه کامرسانت دیگر قطعی گردیده است که روسیه بخاطر اختلاف نظر با آمریکا نمی تواند آن طور که پوتین خواسته بود در نیمه اول سال ۲۰۰۶ به عضویت سازمان تجارت جهانی (WTO) درآید. برای ممانعت از عضویت روسیه زمینه های لازم نیز فراهم شده است، حتی «آلکسی مورداشف» رئیس کمیته اطلاعاتی اتحادیه کارخانه داران و تولیدکنندگان روسیه و رئیس گروه «سوراستال» اظهار داشته است که: «روسیه به هیچ قیمتی نمی تواند عضو سازمان تجارت جهانی شود.»

«ماکسیم میدویدوف» رئیس هیئت روسی مذاکره با سازمان تجارت جهانی اعتراف نمود که هم در مذاکره با آمریکا و هم با خود سازمان تجارت جهانی مشکلاتی وجود دارد. او به ویژه گفت که مشکل مربوط به رژیم کنترل بهداشتی مواد غذایی در روسیه می شود که بخصوص تولید کنندگان گوشت مرغ آمریکا را نگران ساخته است و قانون آن که در مرحله بررسی و توافقات میان اداری است باید تا ماه مارس تنظیم گردد. گذشته از آن در مذاکرات درباره خواسته های اصلی تنها توافق درباره بندهای ۱۰ و ۱۵ متن باقی مانده است. میدویدوف افزود که پس از حل این موارد ممکن است مشکلات به مراتب جدی تری بوجود آید. این مقام رسمی اضافه نمود که سازمان تجارت جهانی و آمریکا از روسیه خواسته هایی را مطرح می کنند که خاص و جزئی هستند در حالی که روسیه فقط تصمیم دارد با شرایط عمومی وارد این سازمان گردد.

«آلکسی مرداشف» رئیس کمیته مذاکره اتحادیه کارخانه داران و تولیدکنندگان روسیه در امر عضویت در سازمان تجارت جهانی، دیروز در ارتباط با مشکلات مذاکره با آمریکا اظهاراتی را بیان داشته است. او ادعای آمریکا درباره رژیم کنترل بهداشتی مواد غذایی را این طور تشریح نمود که این مشکل پس از اینکه ما یکبار آن را حل کرده ایم مجدداً مطرح می گردد و بروز موارد جدید را نیز غیر ممکن ندانست. به گفته او مواردی از جمله امکان افتتاح شعب مؤسسات مالی، حمایت از روسیه در صنایع هوایی و میزان یارانه در بخش کشاورزی هنوز حل نشده باقی است. این شخص با نفوذ همچنین درباره امکان سیاسی بودن

■ روش اسلحه روسی به فلسطینی ها با توافق

اسرائیل

مسکو (۳۰ بهمن ۱۳۸۴) - وزیر دفاع روسیه گفت مسکو فقط در صورت توافق اسرائیل، به تشکیلات خودگردان فلسطینی جنگ افزار می فروشد.

سرگئی ایوانف، وزیر دفاع روسیه، روز جمعه گفت روسیه فقط در صورت موافقت اسرائیل، به تشکیلات خودگردان فلسطینی جنگ افزار خواهد فروخت و این سلاح ها از طریق خاک اسرائیل به فلسطینی ها تحویل داده می شود.

پیشتر فرمانده ستاد مشترک ارتش روسیه گفته بود مسکو در پی مذاکراتی که قرار است در ماه مارس با حماس داشته باشد، ممکن است به فلسطینی ها جنگ افزار بفروشد. به نوشته روزنامه های مسکو، تشکیلات خودگردان فلسطین مایل به خرید دو فروند هلیکوپتر نفر بر و ۵۰ دستگاه خودرو نفربر زرهی از روسیه است. دعوت روسیه از رهبران حماس برای سفر به آن کشور، خشم اسرائیل را برانگیخته است.

■ نتایج سفر کمیسر اتحادیه اروپا به قفقاز جنوبی

بروکسل (۲ اسفند ۱۳۸۴) - پیشرفت محسوسی در روابط اروپا و قفقاز حاصل نشد.

سفر بنیتا فره رو - والدنر، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا به سه کشور قفقاز جنوبی در هفته گذشته پیشرفت محسوسی را در روابط این اتحادیه با منطقه قفقاز به ارمغان نیاورد. گفتگوهای بین اتحادیه اروپا و گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در مورد برنامه عمل برای روابط نزدیکتر شکست خورد.

بعلاوه، هیچ پیشرفتی در «منازعات یخزده» مطلقه حاصل نشد. در واقع در گرجستان تنشهای مربوط به اوستیای جنوبی در حال افزایش به نظر می رسد. برنامه عمل «سیاست همسایگی» اتحادیه اروپا و «منازعات یخزده» در قفقاز جنوبی در دستور کار خانم والدنر قرار داشت که هیچکدام به نتیجه محسوسی منجر نشد.

■ معمای قتل رهبر اپوزیسیون قزاقستان

آلماتی (۲ اسفند ۱۳۸۴) - قزاقستان اعلام کرد که نیروهای امنیتی این کشور رهبر اپوزیسیون را به قتل رسانده اند.

موضوع گیری آمریکا و سازمان تجارت جهانی گفت: «روسیه به هیچ قیمتی نمی تواند عضو سازمان تجارت جهانی شود.» پس از اظهار نظر غیر منتظره «یوری لوژکوف» شهردار مسکو در ۱۵ فوریه درباره اینکه عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی به هیچ عنوان به صرفه نمی باشد، عملاً همکاری جمعی برای توجیه سرسختی در مذاکرات شروع شد و بسیاری از اقتصاد دانان و کارگزاران حمایت خود را از موضع شهردار مسکو اعلام نمودند. فعلا امری که قطعی است این است که عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی دست کم تا پائیز به تأخیر افتاد.

■ بالاترین دستمزدها در آذربایجان

مسکو (۱ اسفند ۱۳۸۴) - آذربایجان از نظر پرداخت دستمزد بین کشورهای جنوب قفقاز مقام اول را دارد. به گزارش روزنامه روسی «وزگلیاد» در آمارگیری سال ۲۰۰۵ اداره مرکزی آمار کشورهای شوروی سابق مشخص شده است که بیشترین متوسط حقوق و دستمزد در کشورهای استونی و بعد از آن لیتوانی و لتونی پرداخت می شود. کشور روسیه در مقام چهارم قرار دارد. در رتبه های آخر کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و گرجستان قرار دارند. طبق داده های رسمی در کشور استونی متوسط حقوق ماهیانه روزهای کامل کاری در نه ماهه اول سال ۲۰۰۵، (۵۹۳ دلار)،

در لیتوانی اختلاف حقوق با استونی ۱۰۰ دلار است و در لتونی حدود (۴۲۰ دلار) دستمزد کارمندان رقم زده شده است. در این دوره حقوق در لتونی در مقایسه با همین دوره در سال ۲۰۰۴ (۱۷.۴٪) افزایش یافته است و قیمت های مصرفی در این کشور ۶.۵٪ بالا رفته است. در روسیه متوسط حقوق در سال ۲۰۰۵ (۳۰۲ دلار) بوده است.

به دنبال این کشور به ترتیب قزاقستان که رشد اقتصادی آن باعث بهتر شدن موقعیت اجتماعی مردم شده در ماه دسامبر ۲۰۰۵ متوسط نرخ مقرر ۲۶۰ دلار بوده است. در اوکراین متوسط حقوق ۲۲۰ دلار و در بلاروس ۲۱۴ دلار که این مبلغ در ماه دسامبر ۲۰۰۵ به ۲۶۱ دلار افزایش یافته است.

از بین جمهوریهای جنوب قفقاز بیشترین حقوق در آذربایجان پرداخت شده است که در آخر سال ۲۰۰۵ حدود ۱۴۰ دلار رقم زده شده است. در ارمنستان متوسط نرخ مقرر ۱۱۵ دلار می باشد. نشان داده شده است که گرجستان در این مورد فقیرترین کشور است زیرا متوسط حقوق در این کشور ۵۰ دلار است. فابل ذکر است که تا ۱۵ سال پیش حقوق مردم گرجستان و استونی تفاوت جندانی با هم نداشته است ولی اکنون گرجستان ۱۲ مرتبه پایین تر است. در مولداوی در بودجه حقوق مردم ۷۸ دلار است ولی خارج از بودجه این رقم به ۱۲۱ دلار می رسد.

نرخ حقوق در کشورهای آسیای مرکزی به ۱۰۰ دلار نمی رسد. در ماههای دسامبر و ژانویه ۲۰۰۵ متوسط نرخ مقرر حقوق مردم قرقیزستان ۶۰ دلار بوده است. در ازبکستان طبق ارزشیابی مستقل حقوق مردم تاشکند ۶۰ دلار و در شهرهای دیگر کمتر بوده است. در ترکمنستان بر اساس داده های مستقل متوسط

حقوق ماهیانه تقریباً ۴۰ دلار است که ترکمنبانی افزایش آن را به ۳-۴ برابر نوید داده است. موقعیت متوسط دستمزد در تاجیکستان از همه بدتر است در این کشور متوسط حقوق ۳۶ دلار است و حداقل آن ۳.۷۵ دلار می باشد.

■ همکاریهای انرژی ایران، تاجیکستان و افغانستان

دوشنبه (۳ اسفند ۱۳۸۴) - وزیران انرژی تاجیکستان، ایران و افغانستان در زمینه احداث خطوط برق سند همکاری به امضا رساندند.

به گزارش بی بی سی، روز سه شنبه ۲۱ فوریه (۲ اسفند) وزیران انرژی تاجیکستان، ایران و افغانستان در شهر دوشنبه در زمینه احداث خطوط بلندشدت انتقال نیروی برق میان این کشورها یک سند همکاری به امضا رساندند. طبق مفاد این سند همکاری پس از احداث خطوط برق از جنوب تاجیکستان تا مرز ایران از طریق قلمرو افغانستان، کشورهای منطقه امکان دریافت نیروی برق تولید نیروگاه آبی «سنگتوده ۱»، «سنگتوده ۲» و «راغون»، واقع در جنوب و شرق تاجیکستان را پیدا خواهند کرد.

در همین حال، دیروز ضمن برگزاری مراسم ویژه ای با حضور رئیس جمهوری تاجیکستان، وزیران انرژی ایران و افغانستان عملیات اجرای طرح احداث نیروگاه آبی «سنگتوده ۲»، واقع در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شهر دوشنبه آغاز شده است. رئیس جمهوری تاجیکستان اجرای این پروژه را در جهت استقلال انرژی این کشور و صدور نیروی برق به کشورهای منطقه مهم ارزیابی کرده و گفته است که گسترش همکاری های منطقه ای در زمینه احداث نیروگاهها و جاده ها عامل مهم در مبارزه علیه تروریسم بین المللی محسوب می شود.

مراسم پایه گذاری ساختمان نیروگاه آبی «سنگتوده ۲» در منطقه «پلکدشت» ناحیه دنگره ولایت ختلان با حضور مقامات بلندپایه دولت تاجیکستان، ایران و افغانستان و صدها تن از ساکنان این منطقه صورت گرفت. امامعلی رحمانف، رئیس جمهور تاجیکستان، اجرای این پروژه را در جهت استقلال انرژی این کشور مهم خواند: «آغاز ساختمان نیروگاه آبی «سنگتوده ۲» مرحله جدیدی در روابط اقتصادی میان ایران و تاجیکستان برای دست یافتن به استقلال انرژی این کشور است. با راه اندازی این پروژه صدها جای کار در جنوب تاجیکستان ایجاد شده و اقتصاد کشور گسترش خواهد یافت.»

همچنین سید پرویز فتاح، وزیر انرژی ایران، از نیروگاه آبی «سنگتوده ۲» به عنوان پروژه مهمی در زمینه همکاریهای منطقه ای نام برد: «تاجیکستان سهم بزرگی در تأمین آب منطقه و منابع انرژی دارد. بهره برداری از این منابع در جهت توسعه اقتصادی و تأمین ثبات منطقه ای خواهد بود.»

هزینه ساختمان نیروگاه آبی «سنگتوده ۲» مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار آمریکایی را تشکیل می دهد که مبلغ ۱۸۰ میلیون دلار آن را ایران خواهد پرداخت. همچنین، جانب ایران تعهد کرده است که توسط شرکت انرژی «فراب» در مدت ۳.۵ سال احداث این نیروگاه را به انجام برساند.

ظرفیت نیروگاه آبی «سنگتوده ۲» ۲۲۰ مگاوات بوده و تولید برق پس از احداث این نیروگاه سالانه به بیش از یک میلیارد کیلووات ساعت خواهد رسید که به

گفته رئیس جمهوری تاجیکستان، در جهت رفع کمبود نیروی برق برای جمعیت این کشور در فصل زمستان مساعدت خواهد کرد. از سوی دیگر، مقامات تاجیکستان معتقدند که تولید برق در نیروگاه آبی «سنگنوده ۲» امکان خواهد داد کشورهای منطقه با برق ارزان تامین شوند. این در حالی است که مقامات تاجیکستان و ایران توافق کرده اند که نیروگاه آبی «سنگنوده ۲» پس از بهره برداری به مدت ۱۲.۵ سال مال دولت ایران خواهد بود و ایران می تواند برق تولید شده در این نیروگاه را به هر کشوری، از جمله خود تاجیکستان بفروشد. با توجه به این، بیشتر کارشناسان می گویند مشکلات و محدودیت در جهت انتقال نیروی برق برای جمعیت تاجیکستان، بویژه در فصل زمستان حتی در صورت مورد بهره برداری قرار گرفتن نیروگاه آبی «سنگنوده ۲» در چند سال آینده باقی خواهد ماند.

طبق آمار رسمی، هم اکنون جمعیت تاجیکستان در فصل زمستان به حدود ۳ میلیارد کیلووات ساعت نیرو برق نیاز دارد.